

تجلیات اسماء

ابجد و خواص ۱۰۰۱ اسم الهی دعای جوشن کبیر

تألیف: سید علی اکبر صداقت

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶

با تجدید نظر: مهر ۱۳۹۲

اسم ابجد ترجمه خواص

۱- الله	(۶۶)	خداوند، پروردگار ؛	توحید ناب
۲- رحمن	(۲۹۸)	بخشاینده، بخشنده ؛	رحمت و محبوب شدن
۳- رحیم	(۲۵۸)	مهربان ؛	برآمدن حوایج دنیوی و اخروی و گشایش در امور
۴- کریم	(۲۷۰)	بخشنده، صاحب کرم و مروّت؛	رزق و کفایت مقاصد
۵- مُقیم	(۱۹۰)	پابرجا، همیشه ایستاده، ماندگار؛	استدامت و ثبات قدم
۶- عَظیم	(۱۰۲۰)	بزرگ ؛	شوکت ، بزرگی ، ترقی مقام و مرتبه
۷- قَدیم	(۱۵۴)	دیرینه، پیشین ؛	طول عمر و عافیت
۸- عَلیم	(۱۵۰)	دانا ؛	معارف خفیه، علم لدنی و فتوحات قلبیه
۹- حَلیم	(۸۸)	بردبار ؛	صبر و بردباری، فروکش کردن خشم
۱۰- حَکیم	(۷۸)	دانشمند و صاحب حکمت ؛	آسان شدن دشواری ها و دانستن مجهولات
۱۱- سَيِّد السَّادَاتِ	(۵۷۱)	آقای آقایان، سرور سروران ؛	سروری، رفعت و عزّت
۱۲- مُجِيب الدَّعَوَاتِ	(۵۶۷)	اجابت کننده دعاها ؛	اجابت دعا
۱۳- رَافِع الدَّرَجَاتِ	(۹۹۰)	بالا برنده مقام و مرتبهها ؛	ترقی مادی و معنوی
۱۴- وَلِيّ الحَسَنَاتِ	(۵۹۶)	صاحب نیکوییها ؛	توفیق به انجام کارهای خیر
۱۵- غَافِر الخَطِيئَاتِ	(۲۳۳۲)	آمرزنده گناهان، آمرزنده خطاها ؛	بخشش گناهان سهوی و غیر عمدی
۱۶- مُعْطِي الْمَسْئَلَاتِ	(۶۹۲)	دهنده خواهشها، عطا کننده خواهشها، بخشنده حاجتها؛	برآورده شدن حاجات
۱۷- قَابِل التَّوْبَاتِ	(۹۷۳)	پذیرنده توبهها (بازگشتها) ؛	پشیمانی و برگشت از خطا و پذیرش آن از حضرت تَوَّاب
۱۸- سَامِع الاَصْوَاتِ	(۷۰۰)	شنونده آوازاها (صداها) ؛	باز شدن گوش برزخی
۱۹- عَالِم الخَفِيَّاتِ	(۱۲۶۳)	دانای رازها، دانای پنهانیها ؛	کشف رازها و امور پنهانی
۲۰- دَافِع البَلِيَّاتِ	(۶۲۹)	دفع کننده بلاها، برگرداننده گرفتاریها؛	دفع بلاها و گرفتاری های پی در پی
۲۱- خَيْر الغَافِرِينَ	(۲۱۸۲)	بهترین آمرزندگان ؛	بخشش عمومی گناهان
۲۲- خَيْر الغَافِحِينَ	(۱۳۹۰)	بهترین گشاینندگان ؛	گشایش مادی و معنوی
۲۳- خَيْر النَّاصِرِينَ	(۱۲۴۲)	بهترین یاوران (یاری کنندگان)؛	کمک کار در امور زندگی

24- خَيْرَ الْحَاكِمِينَ	(۹۷۰)	بهترین حاکمها (داورها) ؛	احقاق حق مظلوم
25- خَيْرَ الرَّازِقِينَ	(۱۲۰۹)	بهترین روزی دهندگان ؛	رزق حلال بسیار
26- خَيْرَ الْوَارِثِينَ	(۱۶۰۸)	بهترین وارثها (میراثبر) ؛	فرزند دار شدن
27- خَيْرَ الْحَامِدِينَ	(۹۵۴)	بهترین ستاینندگان؛	تحمید پروردگار
28- خَيْرَ الدَّاكِرِينَ	(۱۸۲۲)	بهترین یادآورندگان (یادکنندگان) ؛	توفیق یاد حق در همه حال
29- خَيْرَ الْمُنْزِلِينَ	(۱۰۲۸)	بهترین فرودآورندگان (میزبانان) ؛	برکت در جایگاه و منزل
30- خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ	(۱۰۵۹)	بهترین احسان کنندگان (نیکوکاران) ؛	احسان بدون منت
۳۱- مَنْ لَهُ الْعِزَّةُ وَالْجَمَالُ	(۳۴۹)	آن که برای اوست ارجمندی و زیبایی؛	کسب عزّت قابل توجّه
32- مَنْ لَهُ الْقُدْرَةُ وَالْكَمَالُ	(۵۹۳)	آن که برای اوست توانایی و آراستگی ؛	کسب قدرت و کمال ممدوح
33- مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَالْجَلَالُ	(۳۴۷)	آن که برای اوست فرمانروایی (والایی)؛ لایق شدن رسیدن به منصب عالی و کسب	خانه و زمین
34- مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ	(۹۳۶)	آن که بسیار بزرگ و فرازمند است (برتر) ؛	بزرگی و علوّ مقام معنوی
35- يَا مُنْشِيءَ السَّحَابِ الثَّقَالِ	(۱۱۵۵)	ای برآورنده ابرهای بارنده، ای پدید آورنده ابرهای سنگین ؛	طلب باران
36- مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ	(۵۲۹)	آن که اوست سخت عذاب ؛	قدرت یافتن در برابر دشمن و در برابر بلایا
37- مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ	(۵۴۳)	آن که اوست سریع در محاسبه ؛	تسریع احقاق حقوق از دست رفته
38- مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ	(۶۲۳)	آن که اوست کیفر سخت ؛نزول کیفر و عقوبت بر دشمن و دادخواهی از دشمن	
39- مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ	(۸۸۸)	آن که نزد اوست پاداش نیکو؛ موفق شدن بر نوافل و بر وفق مراد شدن امور	
40- مَنْ عِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ	(۷۲۵)	آن که نزد اوست دفتر کل (اصل کتاب)؛	یافتن اشراف معنوی و ترمیم نامه اعمال آخرتی
41- حَنَآنٌ	(۱۰۹)	پُر مهر، بسیار بخشاینده ؛	لطفات روح
42- مَتَّانٌ	(۱۴۱)	پُر بخشش، بسیار منت گذارنده ؛	ایمنی از خوف نعمت نافع و دفع تنگدستی
43- دِيَانٌ	(۶۵)	جزا دهنده، پاداش دهنده ؛	توفیق به کارهای صواب، امداد گرفتن از غیب
44- بَرَهَانٌ	(۲۵۸)	حجت و دلیل روشن ؛	استجاب دعا و حصول مقصود، اثبات حق
45- سُلْطَانٌ	(۱۵۰)	فرمانروا، پادشاه ؛	حکم فرمایی (تسلّط) بر نفس
46- رِضْوَانٌ	(۱۰۵۷)	خشنودی؛	رضایت حق از بنده
47- غَفْرَانٌ	(۱۳۳۱)	آمرزش، بخشنده گناهان ؛	محو خطیئات و پاک شدن گناهان
48- سَبْحَانٌ	(۱۲۱)	پاک و منزّه، منزّه از هر نقص و بدی؛ تسبیح ذات حق و پاک دانستن او از هر آلایشی	
49- مُسْتَعَانٌ	(۶۲۱)	یاری جسته شده، به یاری خواسته شده ؛ امداد گرفتن از خداوند در امور دنیوی و اخروی	
50- ذَالِمَنَّ وَ الْبَيَانُ	(۱۹۰)	صاحب منت و بیان، دارای بخشش و نطق ؛ احسان و نیکی در گفتار	
51- مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ	(۳۱۷۲)	آن که فروتنی میکنند همه چیز بر بزرگواریاش ؛	
52- مَنْ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ	(۱۷۸۰)	آن که تسلیم است هر چیز بر توانایی اش (شکوهش) ؛	نرم شدن دل ها، فروتنی در مقابل دیگران، کم شدن ترس در برابر ظالمان و ستمگران
53- مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ	(۱۶۹۲)	آن که در برابر عزّتش همه چیز خوار است ؛ رام و ذلیل کردن زورگو و ظالم	
54- مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ	(۲۳۷۲)	آن که فروتن است هر چیز در برابر شکوهش (هیبتش) ؛	
55- مَنْ انْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ	(۱۶۱۱)	آن که فرمان برد همه چیز از ترسش ؛ تسلیم شدن آدم بیپروا، ترس از حق	ازدیاد معرفت به هیبت و جلال حق، شکوه و احترام و غلبه بر ظالم سرکش
56- مَنْ تَشَقَّقَتْ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ	(۲۶۷۳)	آن که شکافته شد کوهها از ترسش (بیمش) ؛	
57- مَنْ قَامَتْ السَّمَوَاتُ بِأَمْرِهِ	(۱۴۱۷)	آن که بر پاست آسمانها به امرش (فرمانش) ؛	در هم شکستن نفس اماره، در هم شکستن گروه ظالمان و ستمگران
58- مَنْ اسْتَقَرَّتِ الْأَرْضُونَ بِأَذْنِهِ	(۳۰۹۷)	آن که پایدار است زمینها به دستورش ؛	حفظ زمین و زراعت از آفات
59- مَنْ يَسْبَحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ	(۵۳۴)	آن که تسبیح گوید رعد به ستایشش؛	
60- مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ	(۱۱۸۶)	آن که تجاوز نمیکند به اهل مملکتش ؛	میل نفوس مضطرب به ذکر حق از خاصیت اسم محمود است.
61- غَافِرُ الْخَطَايَا	(۱۹۳۳)	آمرزنده خطاها، بخشنده گناهان) ؛	بخشش گناه صغیره و کبیره
62- كَاشِفُ الْبَلَايَا	(۴۷۶)	رفع کننده بلاها، برطرف کننده گرفتاریها ؛	نجات از مهالک و دفع غم و غصّه
63- مُنْتَهَى الرَّجَايَا	(۷۵۱)	نهایت امیدها ؛	اختتام کارها به صواب و خوشی
64- مُجْزِلُ الْعَطَايَا	(۲۰۲)	شایان کننده عطاها، فراوان بخشنده ؛	طلب ازدیاد فضل و نعم الهی
65- وَاهِبُ الْهَدَايَا	(۶۶)	بخشنده هدایا ؛	ازدیاد مواهب عادی و معنوی، دفع فقر
66- رَازِقُ الْبَرَايَا	(۵۵۳)	روزی دهنده خلق (آفریدگان) ؛	
67- قَاضِي الْمَنَايَا	(۱۰۴۴)	برآورنده آرزوها ؛	رزق خود و خانواده، برکت در معاش و توسعه در امور معنوی و مادی

68- سامع الشكايا	(۵۳۴)	شنوای شکایتها، شنوندهٔ گله‌ها؛
69- باعث البرایا	(۸۱۸)	استجابت شکوه‌ها، برآورده شدن حاجات از گذشته
70- مطلق الاساری	(۴۸۲)	زنده کن مردم، برانگیزندهٔ خلائق (آفریدگان)؛ شکوفایی استعداد، عاقبت اخروی
71- ذالحمد و الثناء	(۱۳۷۲)	آزاد کنندهٔ اسیران ؛ نجات از اسارت اهل دنیا، آزادی محبوس
72- ذالفخر و البهاء	(۱۶۵۷)	صاحب ستایش و سپاس؛ تحمید خداوند، تجلّی نعمت و افزایش آن
73- ذالمجد و السناء	(۹۲۷)	صاحب افتخار و خرّمی؛ افتخار یابی به ترفیع مقامات، فتح و گشایش امور
74- ذالعهد و الوفاء	(۹۳۵)	صاحب بزرگواری و والایی (فروغ)؛ رفعت درجات دنیوی و اخروی
75- ذالعفو و الرضاء	(۱۹۲۶)	صاحب عهد و وفا، صاحب پیمان و نگهداری وفا؛ استیفای وفای به عهد
76- ذالمن و العطاء	(۹۳۹)	صاحب گذشت و خشنودی؛ راضی شدن با گذشت کردن از خطاکار
77- ذالفصل و القضاء	(۱۸۷۰)	صاحب منت و بخشش ؛ متصف شدن به بخشش ذاتی
78- ذالعزّ و البقاء	(۹۴۹)	دارای تمییز حق از باطل و داوری؛ تمییز و تشخیص مرغوب از نامرغوب
79- ذالجود و السخاء	(۱۴۴۳)	صاحب ارجمندی و پایداری؛ طول عمر با شرافت، عزّت و سربلندی
80- ذالالاء و النعماء	(۹۶۲)	صاحب بخشش و جوانمردی؛ متخلّق شدن به کرم و جود
81- مانع	(۱۶۱)	صاحب نعمت های معنوی و مادی؛ جذب نعمت های مادی و معنوی
82- دافع	(۱۵۵)	بازدارنده از بدی، جلوگیری کننده؛
83- رافع	(۳۵۱)	رفع ناسازگاری (زوجین) دفع موانع دنیوی و اخروی
84- صانع	(۲۱۱)	بازگرداننده، دورکنندهٔ بدیها؛ دفع ضرر
85- نافع	(۲۰۱)	بلند آواز کننده، بالا برنده؛ عزّت و توانگری، رفعت مقام
86- سامع	(۱۷۱)	سازنده، آفریننده؛ استوار ماندن صنایع و خلق اشیاء
87- جامع	(۱۱۴)	سودبخش (رساننده)، سودمند؛ منفعت مالی و توانگری
88- شافع	(۴۵۱)	شنونده، شنوا؛ استجابت دعا و بازشدن گوش برزخی
89- واسع	(۱۳۷)	فرامی‌بخش (فراگیر)، فراهم کننده، گردآورنده؛
90- موسع	(۱۷۶)	شفاعت کننده؛ فراهم شدن اسباب قبولی، مورد شفاعت واقع شدن
91- صانع کل مصنوع	(۵۱۷)	گشاینده، پهناور؛ رزق، زیادی عمر، قانع شدن و سهولت روزی
92- خالق کل مخلوق	(۱۵۵)	وسعت بخش، گشایش دهنده، گسترانده؛ سعهٔ صدر، گشایش امور، فتح باب
93- رازق کل مرزوق	(711)	سازندهٔ تمام موجودات، سازندهٔ هرچه ساخته شده؛
94- مالک کل مملوک	(277)	ابداع صنعت و بنیاد نمودن کارخانه
95- کاشف کل مکروب	(719)	آفرینندهٔ (سازنده) تمام آفریده‌ها ؛
96- فارح کل مهموم	(465)	فرزند دار شدن، تولید نسل و بهره‌بری و تکثیر دام
97- راحم کل مرحوم	(593)	روزی دهندهٔ هر روزی خور؛ دفع فقر و تنگدستی و گشایش روزی
98- ناصر کل مخدول	(1767)	صاحب هر بنده ؛ تربیت نفوس و تکمیل عبودیت
99- ساتر کل معیوب	(839)	بردارندهٔ تمام گرفتاریها، برطرف کنندهٔ هر غم و اندوه ؛
100- ملجأ کل مطرود	(383)	دفع امواج بلا و مصیبت
101- عدتی عند شدتی	(1322)	گشایش دهندهٔ هر اندوه‌گین؛ رفع هم و غم
102- رجائی عند مصیبتی	(900)	آمرزندهٔ هر آمرزیده شده، ترحم کنندهٔ هر مهرجو؛
103- مونسى عند وحشتى(1014)		ترحم به مظلوم و مستضعف، رفع ذلت
104- صاحبى عند غربتى (1847)		یاری کنندهٔ سرافکنده، یاور هر بیکس؛
105- ولیّی عند نعمتی (750)		کمک و یاری برای از دست داده‌ها، پیروزمند از ورطه گرفتاری
106- غیائی عند کربتى (2277)		پوشانندهٔ هر عیب (نادرست)؛ پرده پوشی عیوب، حفظ آبرو
107- دلیلى عند حیرتى (836)		پناه هر رانده شده (گریختگان)؛
108- غنائى عند افتقارى (1987)		پناه دهندهٔ رانده شدگان، رفع مسکنت و بی‌کسی
109- ملجأى عند اضطرارى (1429)		ذخیرهام (لوازم زندگیم) در سختیام؛
110- معینى عند مفرعى (511)		نیرو گرفتن و قوّت قلب، پیروزی در تنگناها و حوادث
111- علّام الغیوب (1190)		امیدم در گرفتاریام؛ گشایش اهل مصیبت
112- غقّار الذنوب (2070)		همدمم در ترسیدنم ؛ دفع ترس و خوف ، رفع و جبران بی‌کسی
		یارم (هم صحبتیم) در دوری از وطنم؛ همدم در غریبی، رفع غربت
		سرپرستم در بهرهوریام ؛
		تشکر از ولیّ نعمت حقیقی، صاحب نعمت و ثروت شدن
		فریادرسم در غمزدگی (گرفتاریام)؛ برطرف شدن گرفتاری مادی
		رهنمایم در سرگردانیم ؛ یافتن استاد و راهنما، هدایت یافتن و رفع جهل
		دارایام در تهیدستی (نداریام)؛ رفع درویشی و فقر
		پناهگاهم در ناچاریم (پریشانیام)؛
		آرامش در هنگام پریشانی، رفع اضطراب و استرس
		کمک کارم در هراسم، پشتیبانم در پریشان حالیام ؛
		نجات از دلهره و ترس و تقویت روح
		بسیار دانای نهانیها ؛ آگاه شدن به غیب و دانایی به مجهولات
		آمرزندهٔ (بخشندهٔ) گناهان ؛ بخشش گناهان صغیره و کبیره

113- ستّار العیوب	(780)	پرده پوش (پوشاننده) عیبها؛
114- کاشف الکروب (660)		حجاب و حفظ آبرو، مستور بودن از نگاه دشمنان برطرف کننده غمزدها (گرفتاریها)؛
115- مقلب القلوب	(341)	رفع مشکلات خانوادگی و رفع مشکلاتی که به راحتی حل نمی شود زیر و رو کن (دگرگون کننده) دلها ؛ تبدیل صفات و تبدیل به حال نیکو
116- طیب القلوب	(192)	پزشک (طیب) دلها ؛ مداوای جسم و نفس، شفای امراض نفسانی
117- منور القلوب	(465)	روشنی بخش دلها ؛ انرژی یافتن قلب، روشنائی دل
118- انیس القلوب	(290)	مونس (همدم) دلها ؛ یافتن همراه و رهایی از تنهایی
119- مفرج الهموم	(445)	گشاینده غمها ؛ اختتام سختی ها، پایان یافتن گرفتاری ها
120- منفس الغموم	(1347)	برطرف کننده غمها، رهاننده اندوه؛ راه گشایی و یافتن روزنه، رهایی و آزادی فکر از هم و غم
121- جلیل	(73)	والا، بزرگوار و محترم ؛ هیبت و وقار، عزیز شدن نزد خدا و خلق
122- جمیل	(83)	زیبا، خوشگل ؛
123- وکیل	(66)	ملاقات با انسان های پاک نهاد و دفع نقش مستهجن، زیبایی باطن کارگزار، نماینده، اختیاردار؛ توکل قلبی، کفایت مهمّات، دفع اضطرار
124- کفیل	(140)	سرپرست، عهدهدار؛ رزق، پیدا کردن سرپرست
125- دلیل	(74)	راهنما، راهنمایی کننده، پیدا شدن اسباب برای رسیدن به مقصود
126- قبیل	(142)	پذیرنده، پیش خوانده، ضامن؛ در معرض خوبان قرار گرفتن
127- مدیل	(84)	چرخاننده، بسیار راهنمایی کننده، گرداننده؛ چرخش بی دردسر زندگی
128- منیل	(130)	به مقصود رساننده، بهرهمند کننده؛ دست یابی به اهداف
129- مقیل	(180)	درگذرنده، نادیده گیرنده؛ پشت پا زدن به کارهای ناپسند
130- محیل	(88)	جابجا کننده، چاره کننده؛ چاره سازی امور، تحوّل کارها به نحو احسن
131- دلیل المتحیرین	(823)	راهنمای سرگردانها؛ تبدیل شک به یقین
132- غیاث المستغیثین	(3612)	دادرش استغاثه کنندهها؛ استغاثه ملهوف و محزون
133- صریخ المستصرخین	(2381)	دادرش شیون کنندگان (دادرش خواهان)؛ اجابت دعای مادران جوان مرده و یتیمان بی باعث و مالباختگان
134- جار المستجیرین	(1008)	پناه پناهجویان؛ برای مسکن و خانه
135- امان الخائفین	(865)	آرامش و ایمنی ترسویان (ترسندگان)؛ رفع تزلزل و دلهره و اضطراب
136- عون المؤمنین	(353)	یاور (کمک) مؤمنان؛ توفیق کمک به عموم
137- راحم المساکین	(461)	مهرورز بر گدایان مهربانی کننده بر بیچارگان؛ رفع درویشی و فقر
138- ملجأ العاصین	(326)	پناهگاه گنه کاران؛ توفیق حال و دعا برای گناهکاران در اماکن متبرکه
139- غافر المذنبین	(2164)	آمرزنده گنهکاران؛ رهایی از جهنّم
140- مجیب دعوه المضطربین(1280)		اجابت کننده دعای پریشانها، پاسخ دهنده درخواست ناچاران ؛ اجابت دعای ناچاران و بیچارگان
141- ذالجدود و الاحسان	(902)	صاحب بخشش و نیکویی؛ ازدیاد رزق و نیکی ها
142- ذالفضل و الامتنان	(2221)	صاحب برتری و منت پذیری؛ روزی بی منت
143- ذالامن و الأمان	(952)	صاحب امن و امان؛ امنیّت و سلامتی
144- ذالقدس و السبحان	(1054)	صاحب پاکیزگی و پاکی؛ طهارت ظاهری و باطنی
145- ذالحکمة و البیان	(904)	صاحب حکمت (کلام موافق حق و راستی) سخن آشکار و فصیح ؛ صواب در نطق و مصالح امور
146- ذالرحمة و الرضوان	(2079)	صاحب مهر و رضایت دارای بخشش و خشنودی؛ جلب قلوب
147- ذالحجة و البرهان	(1043)	صاحب راهنما (نمودار) و دلیل قاطع ؛ پویایی عقل و رهایی از تخیلات
148- ذالعظمة و السلطان	(1934)	صاحب بزرگواری و فرمانروایی ؛ ترفیع و مقام، استحکام در فرمانروایی
149- ذالرافه و المستعان	(1767)	صاحب مهر و استعانت، دارای مهربانی و پشتیبانی ؛ کمک و مهربانی به اطرافیان
150- ذالغفو و الغفران	(2256)	صاحب آمرزش و آمرزندگی؛ حبط سیئات و محو کارهای زشت
151- من هو رب کل شیء (483)		اوست پروردگار (پرورنده) هر چیز؛ تنظیم و ترتیب امور، ذکر مبتدیان
152- من هو اله کل شیء (497)		اوست معبود (خدای) هر چیز؛ عبودیت و تقرب
153- من هو خالق کل شیء (1192)		اوست آفریننده هر چیز؛ ابداع بدون شراکت
154- من هو صانع کل شیء (673)		اوست سازنده هر چیز؛ ساختن و پی ریزی امور مادی
155- من هو قبل کل شیء (594)		اوست پیش از هر چیز؛ اعتماد بر گذشته خویش به خدا
156- من هو بعد کل شیء (538)		اوست پس از هر چیز؛ اعتماد بر آینده خویش به خدا
157- من هو فوق کل شیء (648)		اوست بالای هر چیز؛ ترقی در معنویات
158- من هو عالم بكل شیء (605)		اوست دانای هر چیز؛ ازدیاد علم و درایت و دانش
159- من هو قادر علی کل شیء (877)		اوست توانا بر هر چیز؛ پیشرفت با توانمندی
160- من هو یبقی و یفنی کل شیء (739)		تنها اوست که میماند و همه چیز فانی میشود؛ فنا و بقاء بالله
161- مؤمن	(136)	ایمن کننده، امان دهنده ؛ دفع شرّ جن و انس و وسواس
162- مهیم	(145)	نگهبان، گواه ؛ صفای باطن و اطلاع بر اسرار

163- مَكُون	(166)	بود کننده، به وجود (پدید) آورنده؛ پایه ریزی امور به خیر
164- مَلَقَن	(220)	تلقین کننده، زود دریابنده؛ اجازه صاحب نفس
165- مَبِين	(102)	آشکار کننده؛ ظهور حقایق، واضح شدن خفایا
166- مَهْوَن	(101)	آسان کننده، آرامش دهنده؛ تسهیل امور
167- مَمَكَن	(150)	امکان دهنده، پابرجا دارنده؛ پابرجایی امور، رسیدن به جایگاه مطلوب
168- مَزِين	(107)	آرایش دهنده، آراسته کننده؛ تجلیه صفات
169- مُعْلَن	(190)	اعلان کننده، ظاهر کننده؛ آگاهی و الهام یافتن، یافتن و ظهور امور خفیه
170- مَقْسَم	(240)	پخش کننده، تقسیم کننده؛
171- من هو فی ملکه مقیم(476)		توفیقات تقسیمات ارزاق مادی و معنوی، رسیدن به کمال عدل و دادخواهی کسی که در ملک خود اقامت دارد، کسی که فرمانروائی اش ماندگار است؛ عدم زوال دارایی، حفظ دولت و شکوه و دارایی
172- من هو فی سلطانه قدیم	(500)	کسی که در سلطنت خود دیرینه است آن که در قدرتش دیرینه است؛
173- من هو فی جلاله عظیم	(1280)	کسی که در بزرگواریاش بزرگ است؛ عزت و عظمت یافتن و دست یابی به حشمت و جلالت
174- من هو علی عبادہ رحیم	(551)	کسی که بر بندگانش مهربان است؛ مهربان شدن به خلق، طلب رحمت الهی
175- من هو بکل شیء علیم	(613)	کسی که بر هر چیزی دانا است؛
176- من هو بمن عصاه حلیم	(447)	آن که به هر که نافرمانیش کند بردبار است؛ بردباری در مقابل نافرمانان، حلم
177- من هو بمن رجاء کریم	(672)	آن که او به هر که امیدش کند بخشنده است ؛ رغبت به کرامت حق تعالی
178- من هو فی صنعہ حکیم	(484)	آن که در آفرینشش دانشمند و صاحب حکمت است ؛ کار مستند و پی ریزی امور بدون خسارت
179- من هو فی حکمتہ لطیف	(793)	کسی که در حکمتش باریکبین است؛ اندیشه و دقت در برنامه ریزی ها، فهم امور دقیق
180- من هو فی لطفہ قدیم	(469)	کسی که در مهربانیاش دیرینه است؛ در معرض همیشگی عنایت قرار گرفتن
181- من لا یرجی الا فضلہ	(1291)	کسی که امید نشود جز به افزون بخشی او؛ درآمد افزون و کارگشایی
182- من لا یسئل الا عفوہ	(415)	آن که درخواست نشود جز گذشت او؛ گذشت و ترحم، طلب عفو و بخشش از خداوند
183- من لا ینظر الا برّہ	(1520)	کسی که انتظاری نبرند جز به احسان او، آن که چشم داشت نشود جز نیکی او؛ احسان خاص حق، رفع درخواست و استغنا از خلق
184- من لا یخاف الا عدلہ	(953)	کسی که نترسند جز از عدل او؛ تعدیل امور، رفع تلون
185- من لا یدوم الا ملکہ	(308)	کسی که پایدار نیست جز فرمانروایی او؛ ابقای ملکیت و ثبات مال و جاه
186- من لا سلطان الا سلطانہ	(458)	کسی که قدرت (سلطه ای) نیست جز قدرت او؛ قدرت ظاهری
187- من وسعت کل شیء رحمته(1639)		کسی که فراگرفته هر چیز را بخشش و احسان او؛ گشایش قلبی و روحی
188- من سبقت رحمته غضبه	(3112)	کسی که پیشی گرفته بخشش و احسانش بر خشم او؛
189- من احاطہ بکل شیء علمہ(526)		کسی که فراگرفته هر چیز را دانش او؛ تسلط و آگاهی بر امور
190- من لیس احد مثله	(778)	کسی که احدی مانندش نیست؛ وحدت و تنزیه
191- فارج الهم	(360)	گشاینده اندوه، شاد کننده دلهای اندوهناک؛ برطرف شدن اندوه فرزندان و وابستگان نزدیک
192- کاشف الغمّ	(1472)	برطرف کننده غصه؛ دفع غم دنیوی
193- غافر الذّنب	(2064)	آمرزنده گناه؛ آمرزش در ایام خاص مانند شب قدر
194- قابل التّوب	(572)	پذیرنده بازگشت؛ پذیرش بازگشت کنندگان، امید به بخشش گناه
195- خالق الخلق	(1492)	آفریننده آفریده؛ اداره کردن و تربیت و تکثیر اولاد
196- صادق الوعد	(306)	راست نوید؛ راستی در وعده و صدق، رسیدن به درستی نویدها
197- موفی العہد	(246)	وفا کننده به پیمان؛ تعهد به حقوق
198- عالم السّر	(432)	دانای نهان (راز) ؛ کشف و اطلاع بر اسرار
199- فالق الحبّ	(252)	شکافنده دانه؛ کشاورزی، کاشت و غرس
200- رازق الانام	(431)	روزی ده مردم (مخلوقات) ؛ رزق کم زحمت
201- علیّ	(110)	والا، بلند مرتبه؛ صاحب آبرو شدن، بلندی قدر و منزلت
202- وفیّ	(96)	وفا کننده (به عهد)؛ صاحب وفای به عهد شدن، پایداری در تعهدات
203- غنیّ	(1060)	دارا، بینیا؛ کثرت رزق، رفع فقر، نجات از قرض مندی، جلب ثروت
204- ملیّ	(80)	توانا، توانگر ؛ توانایی دل، جلب ثروت
205- حفیّ	(98)	بسیار دانا، نوازش کننده؛ ازدیاد نوازش گری نسبت به ارحام
206- رضیّ	(1010)	پسندیده، خشنود؛ کسب صفت رضا
207- زکیّ	(37)	پاکیزه و نیکو؛ صفای فکر
208- بدیّ	(16)	بنا گذارنده، آفریننده؛ شروع به کارهای مهم
209- قویّ	(116)	نیرومند، نیرومند و توانا؛ توانایی و قوت، دفع دشمن

210- ولیّ	(46)	دوستدار، سرپرست؛	جذب دوستی صاحبان ولایت
211- من اظهر الجمیل	(1310)	آن که آشکار گردانید زیبایی را؛	
			زیبا شدن فرزند، نیکو شدن جمال، بروز زیبایی ها
212- من ستر القبیح	(901)	آن که بپوشد زشتی را؛	حفظ آبرو
213- من لم یؤاخذ بالجریه	(1928)	آن که بازخواست نمیکند به گناه؛	درخواست چشم پوشی
214- من لم یهتک السّتر	(1286)	آن که ندرد (پاره نمیکند پرده کسی را)؛	آبرو داری
215- عظیم العفو	(1207)	بزرگ گذشت؛	بسیار عفو شدن گناهان کبیره
216- حسن التجاوز	(566)	خوش درگذرنده، نیکو گذشت؛	گذشت از خطای زیردستان
217- واسع المغفره	(1493)	فراوان (پهناور) آمرزش؛	نظر بلند به عنایات و رحمت حق
218- باسط الیدین بالرحمه	(463)	گشاینده هر دو دست به بخشش و احسان؛	گشایش در امور
219- صاحب کلّ نجوی	(220)	همراه هر راز، ملازم هر رازگویی؛	سرّ نگهداری و حفظ راز
220- منتهی کل شکوی	(891)	نهایت هر شکایت (گلایه)؛	
			رسیدن به حاجت و مقصود و برآورده شدن حاجت درمندان
221- ذالنعمة السّابغه	(1996)	صاحب نعمت فراوان(سرشار)؛	تشکر از نعمات الهی
222- ذالرحمة الواسعه	(1158)	صاحب بخشش و احسان بیپایان (پهناور)؛	در کشتی فضل خدا قرار گرفتن
223- ذالمنّة السّابقه	(1026)	صاحب منتّ پیشین؛	مهربانی به مخلوقات
224- ذالحکمة البالغه	(1874)	صاحب حکمت رسا، صاحب حکمت بیانتها؛	
			رسیدن به تشخیص و مصالح به حق
225- ذالقدرة الکامله	(1168)	صاحب نیروی کامل، دارای توانایی بیعیب و نقص؛	کسب قدرت بی عیب
226- ذالحجّة القاطعه	(964)	صاحب دلیل قاطع (برنده)؛	قوی شدن در مباحث علمی و قاطعیت در حکم
227- ذالکرامة الطّاهره	(2140)	دارای بزرگی آشکار (هویدا)؛	خرق عادت
228- ذالعزّة الدّائمة	(904)	صاحب عزّت (ارجمندی) همیشگی؛	حفظ همیشگی آبرو
229- ذالقوّة المتینه	(1378)	صاحب توان استوار، دارای نیروی محکم؛	قوی شدن اراده
230- ذالعظمة المنیعه	(1953)	صاحب بزرگی استوار و بلند؛	صعود به مقامات
231- بديع السموات	(624)	پدیدآورنده (آفریننده) آسمانها؛	شروع کارهای بلند
232- جاعل الظلمات	(1506)	قرار دهنده تاریکیها؛	پرهیز از کدورات
233- راحم العبرات	(953)	ترحمّ کنند به اشکهای روان؛	رقّت قلب
234- مقبل العثرات	(1382)	نادیده گیرنده لغزشها؛	محو شدن ذنوب
235- ساتر العورات	(1369)	پوشاننده جاهایی که باید پوشیده باشد؛	حفظ آبرو
236- محیی الاموات	(547)	زنده کننده مردهها؛	احیای نفوس مرده
237- منزل الآيات	(570)	فرود آورنده نشانههای روشن؛	ایمان و یقین
238- مضعف الحسنات	(1540)	افزون کننده نیکیها؛	ازدیاد ثواب و پاداش
239- ماحی السيّئات	(562)	نابود کننده (از بین برنده) گناهان؛	نابود کننده اعمال زشت، نابودی اخلاق مذمومه
240- شدید النقمات	(940)	سخت انتقام کش، سخت گیرندهی کیفرهای بد؛	
			زجر و عذاب بر دشمن خونخوار، دفع ظالم
241- مصوّر	(336)	نگارنده، صورتگر؛	فرزند دار شدن و دیدن تصویرهای حقیقی
242- مقدّر	(344)	اندازه گیر، اندازه بخش؛	حکمت و حسابگری
243- مدبّر	(246)	تدبیر کننده؛	مدیریت و تدبیر امور
244- مطهّر	(254)	پاکیزه، پاک کننده؛	رفع انجاس و زوال نجاسات
245- منوّر	(296)	روشنی بخش، روشن کننده؛	جهت نورانیّت و صفای باطن
246- میسرّ	(310)	هموار و آسان کننده؛	سهل الامور شدن خواسته ها
247- مبشّر	(542)	مژده بخش، نوید دهنده؛	رحمت و ظهور تجلّیات خاص
248- منذر	(990)	ترساننده، بیم دهنده؛	رفع بی حیایی
249- مقدّم	(184)	پیشی گیرنده، پیش فرستنده؛	به صواب شدن کارهای بعد
250- مؤخّر	(846)	عقب انداز، به پایان رساننده؛	طول عمر و اجابت دعا
251- ربّ البيت الحرام	(925)	پروردگار خانه محترم (کعبه)؛	زیارت خانهی خدا
252- ربّ الشهر الحرام	(1018)	پروردگار ماه محترم (الحرام)؛	رفع خصومت و استفاده از ماهها
253- ربّ البلد الحرام	(549)	پروردگار شهر محترم(مکه)؛	امنیت در شهر و روستا
254- رب الرّکن و المقام	(721)	پروردگار رکن و مقام؛	تسلیم و یافتن مقامات
255- ربّ المشعر الحرام	(1123)	پروردگار مشعر محترم؛	توفیق درک و فهم امور
256- رب المسجد الحرام	(620)	پروردگار مسجد محترم؛	توفیق اماکن متبرّکه
257- رب الحلّ و الحرام	(557)	پروردگار حلال و حرام؛	کسب علم شریعت
258- ربّ النور و الظلام	(1397)	پروردگار روشنی و تاریکی؛	برای تمییز نور از ظلمت و تشخیص حق از باطل
259- رب التحية و السلام	(824)	پروردگار تحیت و درود؛	سلامتی و تحیت
260- رب القدرة فی الانام	(755)	پروردگار نیرو در بشر؛	قوّت جسمانی، تقویت جسم و روح
261- احکم الحاکمین	(240)	بزرگ حکم فرمایان، داورترین داوران؛	دادرسی حقوق مظلوم
262- اعدل العادلین	(301)	دادگرتین دادگران، عادلتر عادلان؛	تحقق دادگری
263- اصدق الصادقین	(481)	راستگوتین راستگویان؛	زبان صدق و راستگویی

264- اطره الطاهرین (521) پاکتر پاکان، پاکیزهترین پاکیزگان؛ طهارت روح، تزکیه

روح

265- احسن الخالقین (941) نیکوتر(خوبتر) آفرینندگان؛ حسن ظنّ به خالق، نیکو شدن طفل

266- اسرع الحاسبین(493) سریعتر حسابگران، زودرس ترین حسابگران؛ تسریع در حسابرسی متجاوزین

267- اسمع السامعین(433) شنواترین شنوایان (شنوندگان)؛ شنوایی و اجابت حاجت

268- ابصر الناظرین (1535) بیناترین بینایان؛ باز شدن چشم برزخی، روشنائی ذهن و بصیرت یافتن

269- اشفع الشافعیین(993) شفیع ترین شفاعت کنندگان؛ آماده کردن اسباب به خیر، تسهیل امور

270- اکرم الاکرمین (613) گرامیدارترین گرامیداران؛ بلندی مرتبه و کرامت نفس

271- عماد من لا عماد له(386) پشتوانه آن که پشتوانهای برای او نیست؛ توکل

272- سند من لا سند له(384) تکیه گاه آن که تکیه گاهی برای او نیست؛ رفع موانع

273- ذخر من لا ذخر له (3156) ذخیره کسی که ذخیره ندارد، اندوخته آن که اندوختهایی برای او نیست؛

چاره فقر و نداری

274- حرز من لا حرز له(586) پناهگاه آن که پناهگاهی برای او نیست؛ حفظ از بلاها

275- غیاث من لا غیاث له(3178) دادرس آن که دادرسی ندارد، فریادرس آن که فریادرسی برای او نیست؛

طلب فریادرس در مشکلات

276- فخر من لا فخر له (1916) افتخار آن که افتخاری ندارد، بالیدن آن که بالیدنی برای او نیست؛ ترفیع مقام

277- عزّ من لا عزّ له (310) عزّت آن که عزّتی ندارد، ارجمندی آن که ارجمندی برای او نیست؛ کسب عزّت

278- معین من لا معین له (496) کمک آن که کمکی ندارد، یاری کننده آن که یاری کنندهای برای او نیست؛

کمک در حوادث تلخ

279- انیس من لا انیس له (398) هم صحبت آن که هم صحبتی برای او نیست؛ انس به حق و مصاحب مأنوس

280- امان من لا امان له (340) ایمنی آن که ایمنی ندارد؛ امانیت و حفظ از بلاها

281- عاصم (210) نگهدار، نگهدارنده؛ محفوظ بودن و تحت حرز الهی قرار گرفتن

282- قائم (151) پابرجا، ایستاده؛ تقویت اراده

283- دائم (55) جاوید، باقی، پایدار؛ عدم تلّون و تزلزل

284- راحم (249) مهرورز، مهربان؛ خوش دلی و نیک طبیعتی؛ رأفت و مهربانی

285- سالم (131) بیعیب، تندرست؛ صحت جسم و روح؛ ایمنی از آفت و بلا

286- حاکم (69) فرمان دهنده، داور؛ تسلّط بر نفس، تسلّط بر امور

287- عالم (141) دانا، دانشمند؛ افزایش علم و آگاهی

288- قاسم (201) پخش کننده، قسمت کننده؛ توفیق به یافتن خوش اقبالی و قسمت

289- قابض (903) گیرنده، تنگ کننده؛ در هم شکستن خصم و سرکوبی دشمن، تعدیل افزایش سرور

290- باسط (72) گشاینده، گشایش دهنده؛ وسعت رزق، گشایش در امور، خوش دلی، تعدیل افزایش قبض

291- عاصم من استعصمه (957) نگهدار هر که نگهداری از او جوید، نگهدارنده گناه آن که طلب حفاظت از گناه از او کند؛

حفظ زن و فرزند

292- راحم من استرحمه (1053) مهربان به هر که از او مهر خواهد؛ دل رحمی و نیک سیرت بودن

293- غافر من استغفره (3117) آمرزنده هر که از او آمرزش جوید؛ مناسب شیهای قدر

294- ناصر من استنصره(1237) یاری کننده هر که از او یاری طلبد؛ طلب نصرت در زندگی

295- حافظ من استحفظه (2533) نگهدار هر که از او نگهداری خواهد؛ حفظ و ایمنی خود و خانواده

296- مکرم من استکرمه(1116) گرامی دارنده آن که از او طلب گرامیداشت کند؛ جهت رفعت و عزّت و عدم خواری

297- مرشد من استرشده (1604) راهنمای آن که از او طلب راهنمایی کند؛ طلب استاد حقیقی

298- صریخ من استصرخه(2346) دادرس آن که از او طلب دادرسی کند؛ فرج خواهی زندانی و اسیر

299- معین من استعانه (847) کمک هر که از او کمک جوید، پشتیبان آن که از او طلب پشتیبانی کند؛

طلب یاری و کمک خواهی، قوّت پیرمرد و پیرزن که کسی را ندارند

300- مغیث من استغاثه (3607) فریادرس آن که از او طلب فریادرسی کند؛ نجات از درماندگی های زندگی

301- عزیزاً لا یضام (977) عزیزی که به او ستم نشود، ارجمندی که خوار گریده نمیشود؛

عزّت دائمی و رفعت مقام

302- لطیفاً لا یرام (412) لطیفی که چشم انداز نگردد، مهربانی که فراگرفته نمیشود؛ لطافت نفس

303- قیوماً لا ینام (289) پایندهای که خواب ندارد؛ دوام نفس به نورانیت

304- دائماً لا یفوت (583) همیشگیای که از دست نرود، پایندهای که نابود نشود؛

باقی ماندن نعمت ها و عدم زوال آن

305- حیاً لا یموت (506) زندهای که هرگز نمیرد (از بین نمیرود)؛ جهت زنده ماندن قلب ظاهری و باطنی

306- ملکاً لا یزول (175) سلطانی که زوال ندارد، فرمان روایی که از بین نرود؛ پایداری ملکات نفسانی ممدوح

307- باقیّاً لا یفنی (295) ماندگاری که فانی نشود، پایداری که نابود نمیشود؛ بقای نفس رحمانی

308- عالماً لا یجهل (221) دانایی که نادان (نمیشود)؛ تقویت حافظه

309- صمداً لا یطعم (295) بینیازی که خوراک نخواهد، بینیازی که غذا خورنده نمیشود؛ ریاضت جوع

310- قویّاً لا یضعف (1108) توانایی که سست نمیشود، نیرومندی که ناتوان نمیگردد؛ تقویت اراده، تقویت قوا

311- احد	(13)	یگانه، یک؛ انقطاع از خلق و کثرت، جلای قلب، توحید ذاتی
312- واحد	(19)	یکی، یکتا؛ انس، صحت مرض، دفع وحشت و توهمات
313- شاهد	(310)	حاضر، گواه؛ تصدیق گواه درستکار
314- ماجد	(48)	بزرگوار، پُر آوازکننده؛ سلوک، گشایش باطنی، بیرون رفتن از طبیعت، شهرت و آبرو
315- حامد	(53)	ستوده کننده، ستاینده؛ تحمید و ستایش حق
316- راشد	(505)	راهنما؛ استاد و پیر راه
317- باعث	(573)	برانگیزنده، فرستنده؛ کارهای بنیادی
318- وارث	(707)	ارث برنده، میراثبر؛ بقای ذریه، حفظ جنین از سقط شدن، ایمنی از وحشت
319- ضارّ	(1001)	زیان بخش؛ نجات از خواری و دفع مضرات، آسیب رساندن به دشمن
320- نافع	(201)	سودبخش، سودمند، سود رسان؛ منفعت مالی و توانگری، حفظ منافع
321- اعظم من کل عظیم(2171)		بزرگتر از هر بزرگی؛
322- اکرم من کل کریم	(671)	طی منازل معنوی، دست یابی به چیزهای بزرگ، عظمت و عزّت و توانگری
323- ارحم من کل رحیم	(647)	جوان مردتر از هر بخشنده؛ مکرم شدن نفس، متّصف شدن به صفت بخشش
324- اعلم من کل علیم	(431)	مهربان تر از هر مهربان؛ مهربانی خاص به بندگان، عطاوت و رأفت خلق
325- احکم من کل حکیم	(287)	داناتر از هر دانا؛ افزایش علوم
326- اقدم من کل قدیم	(439)	دانشمندتر از هر دانشمند؛ دقّت عقلی و فکری
327- اکبر من کل کبیر	(595)	دیرینه‌تر (جلوتر) از هر دیرینه‌ای؛ ماندن با حقیقت نفس
328- الطف من کل لطیف	(389)	بزرگتر از هر بزرگ؛ ترقّی به درجات بالاتر، فرمانروایی و بزرگی
329- اجلّ من کلّ جلیل	(247)	مهربان (دلسوزتر) از هر دل سوز؛ لطیف شدن نفس، طلب ترحم الهی
330- اعزّ من کل عزیز	(312)	والا تر از هر والا، برجسته‌تر از هر برجسته؛ ترفیع مقامات
331- کریم الصفح	(479)	گرانمایه‌تر از هر گرانمایه، ارجمندتر از هر ارجمندی؛
332- عظیم المنّ	(1141)	تحت پوشش عزّت دو دنیا قرار گرفتن
333- کثیر الخیر	(1571)	بخشنده با گذشت؛ توفیق گذشت از زیردستان
334- قدیم الفضل	(1095)	بزرگ با مَنّت؛ ازدیاد الطاف و نعمت های روزمره، افزایش برکت
335- دائم اللطف	(205)	بسیار با خیر، پر ز نیکی؛ ترغیب به نیکی و نیکوکاری
336- لطیف الصنع	(370)	دیرینه افزون بخش؛ ابقای فضل و لطف
337- منفس الکرب	(483)	همیشه مهربان؛ نوازش و مهربانی نسبت به زیردستان
338- کاشف الضرّ	(1432)	دقیق در صنعت، خوش قالب در صنعت؛ آرایش و آراستن کارهای خوب
339- مالک الملک	(212)	رفع کننده گرفتاریها، زداینده غم و اندوه؛ دفع همّ و غم
340- قاضی الحق	(1050)	برطرف کننده زیانها (ضررها)؛ رفع ضررهای دور و نزدیک
341- من هو فی عهده وفی(371)آن که در پیمانش وفا کننده است؛		حاکمیت و فرمانروایی، ازدیاد خدم و حشم
342- من هو فی وفائه قوی(409)		داوری کننده از روی حق و راستی؛ عدالت ورزیدن و به حق رسیدن
343- من هو فی قوته علی(812)آن که در نیروی خود بلند مقام (والا) است؛		عدم شکستن تعهدات
344- من هو فی علوه قریب(614)		وفا داری به تعهدات الهی
345- من هو فی قربه لطیف(627)		
346- من هو فی لطفه شریف(905)		توفیق توانایی خاص، توانمندی در عزّت یافتن
347- من هو فی شرفه عزیز(870)		من هو فی علوه قریب(614) آن که در والایاش نزدیک است؛ به مقام مقرّبین رسیدن، ترفیع مقام و ترقّی کردن
348- من هو فی عزّه عظیم(1293)		من هو فی قربه لطیف(627) آن که در نزدیکیاش مهربان است؛ نزدیک شدن به صفات جمالی
349- من هو فی عظمته مجید(1663)		آن که در دلسوزیاش گرامی است؛ ارج نهادن و دلسوزی نسبت به خلق
350- من هو فی مجده حمید(305)		آن که در گرامیاش ارجمند است؛ اشراف به کارهای عزّت آور، ترفیع عزّت و جلالت
351- کافی	(111)	آن که در ارجمندیاش بزرگ است؛ رسیدن به بزرگی ممدوح، عظمت یافتن
352- شافی	(391)	آن که در بزرگیاش بلند پایه است؛ حفظ و بقای عزّت و آبرو
353- وافی	(97)	کفایت کننده، بسنده؛ کفایت مهمّات و دفع شرّ اعداء
354- معافی	(201)	بهبود کننده، تندرستی بخش؛
355- هادی	(20)	دفع سموم و شفای امراض ظاهری و باطنی، صحت تندرستی
356- داعی	(85)	وفادار، تمام و کامل؛ رسیدن به وعده های الهی، وفاداری در تعهدات
357- قاضی	(911)	عفو کننده، بهبودی دهنده؛ سلامت و عافیت، معفو شدن از صاحب قدرت
358- راضی	(1011)	راهنما، هدایت کننده؛
359- عالی	(111)	استاد راه ، پیدا شدن راهنما و نجات از گمراهی، هدایت علمی و فکری
360- باقی	(113)	دعوت کننده، خواننده به سوی خود؛ تبلیغ حقایق دین، دعوت به سوی حق
361- من کل شیء خاضع له	(۱۹۵۶)	قضاوت کننده، برآورنده حاجت؛ قضاوت به حق، دادرسی ها
362- من کل شیء خاشع له	(۱۴۵۶)	خشنود شونده؛ رسیدن به مقام رضا
363- من کل شیء کائن له	(۵۶۶)	بلند مرتبه، والا، بر فراز؛ علوّ درجات معنوی، ترقّی و ترفیع مقام

364- من کل شیء موجود به	(۵۱۶) آن که هر چیزی هست با او؛ ارتباط خفی، تصرفات غیبی
365- من کل شیء منیب الیه	(۵۹۸) آن که هر چیزی بازگشت کننده است به سوی وی؛
366- من کل شیء خائف منه	(۱۲۳۶) کسی که هر چیزی ترسان است از وی؛ خوف و خشیت از حق
367- من کل شیء قائم به	(۶۰۸) آن که همه چیز پایدار به اوست؛ اعتماد و تکیه بر حق، استواری در امور
368- من کل شیء صائر الیه	(۷۹۷) آن که هر چیزی گردنده است به سوی او؛
369- من کل شیء یسبح بحمده	(۵۸۹) کسی که هر چیزی تسبیح میگوید به ستایش وی؛
370- من کل شیء هالک الا وجهه(۵۵۷)	آن که هر چیزی هلاک شونده است جز ذات وی؛
371- من لا مفرّ الا الیه	(۵۱۹) آن که نیست گریزگاه جز به سوی او؛
372- من لا مفرع الا الیه	(۳۹۶) آن که نیست پناهگاهی جز به سویش؛ به دست آوردن تکیه گاه حقیقی
373- من لا مقصد الا الیه	(۴۳۳) کسی که نیست مقصد (آهنگی) جز به سویش؛ رسیدن به مقاصد معنوی
374- من لا منجا منه الا الیه	(۳۸۸) آن که نیست جای رهایی جز به سوی او؛ نجات از دریای مّواج دنیا
375- من لا یرغب الا الیه	(۱۴۱۱) کسی که اشتیاق (میل) نشود جز به سویش؛ میل به معانی و ملکوت
376- من لا حول و لا قوّة الا به	(۳۵۲) آن که نیست جنبشی و نه نیرویی جز به یاری او؛
377- من لا یستعان الا به	(۷۵۱) از دیاد قوای ظاهری و باطنی
378- من لا یتوکل الا علیه	(۷۳۴) آن که کمک خواسته نشود جز به او؛ استعانت در رفع صفات ردیله
379- من لا یرجى الا هو	(۳۸۷) کسی که توکّل (تکیه و اعتماد) نشود جز بر او؛ از دیاد صفت توکّل
380- من لا یعبد الا هو	(۲۵۰) آن که امیدی نیست جز به او؛ زیاد شدن امید به حق، ترک امید از غیر حق
381- خیر المرهوبین	(۱۱۵۴) کسی که پرستش نشود جز او؛ عبودیت و بندگی محض و دفع شرک خفی
382- خیر المرغوبین	(۲۱۴۹) بهترین ترسناک، بهترین ترسیده شدگان؛ تعدیل خوف افراد ترسو
383- خیر المطلوبین	(۹۸۸) بهترین میل شدگان (رغبت خیز)؛
384- خیر المسئولین	میل و رغبت به مناجات و دعا، رفع ناامیدی از حق
385- خیر المقصودین	بهترین خواسته (جویا) شدگان؛ طلب مطلوب
386- خیر المذكورین	بهترین درخواست شده؛ مراجعات به حق و صواب، اجابت دعوات
387- خیر المشکورین	(۱۴۶۷) بهترین قصد شدگان؛ رسیدن به حوایج و مقاصد
388- خیر المحبوبین(۹۵۹)	بهترین یاد شدگان؛ ابقای ذکر در دل
389- خیر المدعوّین	(۱۰۳۸) بهترین شکرگزاری شده (ستوده شدگان)؛
390- خیر المستأنسین	(۱۵۱۲) بهترین شکرگزاری از حق، از دیاد نعمت
391- غافر	(۱۲۸۱) بهترین دوست داشته شدگان؛ جذب معبود و معشوق، در محبّت الهی
392- ساتر	(661) بهترین خواننده شدگان؛ دعا و ثنا و زیارت، اجابت دعا
۳۹۳- قادر	(۳۰۵) بهترین همدمان؛ نزدیکی به مونس خوب
۳۹۴- قاهر	(۳۰۶) آمرزنده، بخشاینده گناه؛ محو شدن گناهان
۳۹۵- فاطر	(۲۹۰) پرده پوش، پوشاننده؛ کسب صفت حیا و حفظ آبرو
۳۹۶- کاسر	(۲۸۱) توانا، نیرومند؛ انرژی گرفتن برای بندگی، دفع بدها و غلبه بر دشمن
۳۹۷- جابر	(۲۰۶) قهرکننده، غلبه کننده؛ بیرون رفتن دوستی دنیا، غلبه بر دشمن
۳۹۸- ذاکر	(۹۲۱) آفریننده، شکافنده؛ پیشرفت مهمّات
۳۹۹- ناظر	(۱۱۵۱) شکننده، خورد کننده؛ دفع دشمنی، کوفتن بت نفس و انکسار قلبی
۴۰۰- ناصر	(۳۴۱) تلافی کننده، بست و بندکننده؛ مداوا و نرم کننده اعمال گذشته، جبران مافات
۴۰۱- من خلق فسوّی	(۹۷۶) یاد کننده، به یاد آورنده؛ از دیاد یاد حق در نفس
۴۰۲- من قدر فهدی	(۴۹۳) نظاره کننده، بیننده؛ مراقبه
۴۰۳- من یکشف البلوی	(۵۷۹) یاور، یاری کننده؛ غالب شدن بر دشمن و شیاطین
۴۰۴- من یسمع التّجوی	(۳۷۰) آن که آفرید و تسویه کرد (نیکو بیاراست)؛ فرزند سالم و صالح
۴۰۵- من ینقذ العرقی	(۲۲۹۱) کسی که اندازه داد پس راهنمایی کرد؛ حسابگری به جا
۴۰۶- من ینجی الهلکی	(۲۵۹) کسی که برطرف کند بلا (گرفتاری) را؛ دفع بلیّه و همّ و غم
۴۰۷- من یشفی المرضی	(۱۵۷۱) کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۰۸- من اضحک و ابکی(۹۵۸)	(۲۵۹) کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۰۹- من امات و احیی(۵۶۷)	آن که میخنداند و میگریاند؛ تعدیل غم و شادی
۴۱۰- من خلق الزوجین الذکر و الانثی(۲۴۷۶)	آن که آفرید دو جفت از مرد و زن (نر و ماده) را؛
۴۱۱- من فی البرّ و البحر سبیله(۷۶۷)	آن که آفرید دو جفت از مرد و زن (نر و ماده) را؛
۴۱۲- من یشفی المرضی	آن که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۱۳- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۱۴- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۱۵- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۱۶- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۱۷- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۱۸- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۱۹- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۲۰- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۲۱- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۲۲- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۲۳- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۲۴- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۲۵- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۲۶- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۲۷- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۲۸- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۲۹- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۳۰- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۳۱- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۳۲- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۳۳- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۳۴- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۳۵- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۳۶- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۳۷- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۳۸- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۳۹- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۴۰- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۴۱- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۴۲- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۴۳- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۴۴- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۴۵- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۴۶- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۴۷- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۴۸- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۴۹- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۵۰- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۵۱- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۵۲- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۵۳- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۵۴- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۵۵- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۵۶- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۵۷- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۵۸- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۵۹- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۶۰- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۶۱- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۶۲- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۶۳- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۶۴- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۶۵- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۶۶- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۶۷- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۶۸- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۶۹- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۷۰- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۷۱- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۷۲- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۷۳- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۷۴- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۷۵- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۷۶- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۷۷- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۷۸- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۷۹- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۸۰- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۸۱- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۸۲- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۸۳- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۸۴- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۸۵- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۸۶- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۸۷- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۸۸- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۸۹- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۹۰- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۹۱- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۹۲- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۹۳- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۹۴- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۹۵- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۹۶- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۹۷- من یسمع التّجوی	کسی که میبهد غرق شدگان را؛ نجات از غرق شدن
۴۹۸- من ینقذ العرقی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۴۹۹- من ینجی الهلکی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض
۵۰۰- من یشفی المرضی	کسی که میبهد بخشد بیماران را؛ شفای امراض

۴۱۲- من فی الافاق اياته	(۸۱۰)	کسی که در کرانه‌ها نشانیه‌های اوست؛ یقین و سیر در آفاق
۴۱۳- من فی الایات برهانه	(۸۸۶)	آن که در نشانیه‌ها دلیل اوست؛ دلایل عقلی برای ازدیاد تفکر
۴۱۴- من فی الممات قدرته	(۱۴۰۱)	آن که در مردن قدرت نمایی کرده، آن که در مرگ نیروی اوست؛
طلب کمک از خدا هنگام مردن		
۴۱۵- من فی القبور عبرته	(۱۱۹۶)	آن که در گورها پند گرفتن اوست؛ یقین و عبرت و ایمان به مرگ
۴۱۶- من فی القيامة ملکه	(۴۶۲)	آن که در قیامت سلطنت (فرمانروایی) او است؛
ظهور پادشاهی نفس بعد از مردن نفس اماره		
۴۱۷- من فی الحساب هیئته	(۷۰۴)	آن که در حساب کشیدن شکوه اوست؛ محاسبه
۴۱۸- من فی المیزان قضاؤه	(۱۲۳۱)	آن که در سنجش (اعمال) حکم اوست؛ عدالت
۴۱۹- من فی الجنة ثوابه	(۷۸۳)	آن که در بهشت پاداش نیک اوست؛ ترغیب به اعمال مستحبی
۴۲۰- من فی النار عقابه	(۶۴۰)	آن که در آتش مجازات (کیفر) اوست؛ ترس از عقاب الهی
۴۲۱- من الیه یهرب الخائفون	(۱۱۳۱)	آن که ترسندگان به سوی او میگریزند؛ دفع دشمن و بدخواه
۴۲۲- من الیه یفزع المذنبون	(۱۱۸۲)	آن که به سوی او پناهنده شوند گنه کاران؛ امید برای خطاکاران به عفو
۴۲۳- من الیه یقصد المنیبون	(۵۲۹)	آن که به سوی او قصد کنند بازگشت کنندگان (توبه کاران)؛ توبه و انابه
۴۲۴- من الیه یرغب الزاهدون	(۱۴۵۲)	آن که به سوی او میل (رغبت) کنند پارسایان؛ بی میلی به دنیا
۴۲۵- من الیه یلجأ المتحیرون	(۹۲۵)	آن که به سوی او پناه برند سرگردانان؛ دفع تفرقه و پریشانی
۴۲۶- من به یستأنس المریدون	(۱۰۱۹)	آن که به او خو گیرند اراده کنندگان؛ صدق مرید به مراد، ارادت به حق
۴۲۷- من به یفتخر المحبون	(۱۵۲۴)	آن که به او افتخار کنند دوستداران؛
جذب معشوق، دست یابی به قلّه های افتخار و سربلندی		
۴۲۸- من فی عفوه یطمع الخاطئون	(۱۱۶۲)	آن که در بخشش او طمع ورزند خطاکاران؛ امید به بخشش خدا
۴۲۹- من الیه یسکن الموقنون	(۵۵۹)	آن که به سوی او آرام شوند یقین کنندگان؛ یقین و طمأنینه
۴۳۰- من علیه یتوکل المتوکلون	(۱۱۸۵)	آن که بر او توکل کنند توکل کنندگان؛ ازدیاد توکل
۴۳۱- حبیب	(۲۲)	دوست و معشوق؛ ازدیاد محبت و عشق
۴۳۲- طبیب	(۲۳)	طبيب؛ درمان نفس و عشق
۴۳۳- قریب	(۳۱۲)	نزدیک؛ مقرب شدن، آسان شدن دشواری ها
۴۳۴- رقیب	(۳۱۲)	نگهبان؛ تحفظ نفس از هجوم جنود جهل
۴۳۵- حسیب	(۸۰)	حساب دارنده، حسابگر؛ نجات از چیزهایی که میترسد، کفایت مؤنه
۴۳۶- مهیب	(۵۷)	سهمناک، ترس و بیم دهنده؛
از عذاب الهی ترسیدن، صاحب هیبت شدن، یادآوری عظمت و هیبت الهی		
۴۳۷- مثنیب	(۵۵۲)	ثواب دهنده، پاداش دهنده؛ توفیق عبادات و زیارات و مستحبات، قبولی اعمال خیر
۴۳۸- مجیب	(۵۵)	اجابت کننده، پاسخ دهنده؛ استجابت دعا، برآمدن حاجات، گشوده شدن کارهای بسته
۴۳۹- خبیر	(۸۱۲)	آگاه، دانا؛ اطلاع بر ضمایر و اسرار قلوب، اطلاع از خواص اشیاء
۴۴۰- بصیر	(۳۰۲)	بینایی ظاهری و باطنی، دفع قساوت قلب
۴۴۱- اقرب من کلّ قریب	(۷۵۵)	نزدیک تر از هر نزدیک؛ قرب به ساحت حضرت محبوب
۴۴۲- احبّ من کلّ حبیب	(۱۷۳)	دوست تر از هر دوست؛ توجّه معشوق به عاشق، ازدیاد محبت الهی
۴۴۳- ابصر من کل بصیر	(۷۳۵)	بیناتر از هر بینا؛ بینایی ظاهر و دل، آگاهی در مورد مسائل
۴۴۴- اخبر من کل خبیر	(۱۷۵۵)	آگاهتر از هر آگاه؛ علم ضمیر، آگاهی از مجهولات
۴۴۵- اشرف من کل شریف	(۱۳۱۱)	شریفت‌تر از هر شریف؛ شرافت نفس، شرافت و بزرگی یافتن
۴۴۶- ارفع من کل رفیع	(۸۵۱)	بلندتر از هر بلند، والاتر از هر والا؛ ترفیع مقام
۴۴۷- اقوی من کل قوی	(۳۷۳)	نیرومندتر از هر نیرومند؛ قوی شدن جسم و روح، قدرت پیدا کردن
۴۴۸- اغنی من کل غنی	(۲۲۶۱)	توانگر تر از هر توانگر؛ بی نیازی از خلق
۴۴۹- اجود من کل جواد	(۱۶۸)	بخشنده تر از هر بخشنده؛ رفع بخل، ازدیاد بخشش وجود
۴۵۰- ارأف من کل رؤف	(۷۰۳)	مهربورتر از هر مهربان؛ دل رحمی، خوش رفتی و صفای باطن
۴۵۱- غالباً غیر مغلوب	(۳۳۲۲)	پیروزمندی که شکست نمیخورد؛ غلبه بر دشمن
۴۵۲- صانعاً غیر مصنوع	(۱۶۷۸)	سازنده‌ای که ساخته نشده؛ ساخت و ساز بدون آفت، ابداع صنایع
۴۵۳- خالقاً غیر مخلوق	(۲۷۱۸)	آفریننده‌ای که آفریده نشده؛ ازدیاد اندیشه توحیدی
۴۵۴- مالکاً غیر مملوک	(۱۴۳۸)	دارایی که در ملک دیگری نیست؛ نابودی دشمن
۴۵۵- قاهرأ غیر مقهور	(۱۸۶۸)	شکندۀ کامها که چیره ناپذیر است؛ نابودی دشمن و غلبه بر دشمن
۴۵۶- رافعاً غیر مرفوع	(۱۹۵۸)	بالا برنده‌ای که بالا برده نمیشود؛ ترقی درجات بدون عوارض
۴۵۷- حافظاً غیر محفوظ	(۳۲۳۴)	نگهدارنده‌ای که نگهداری نمیشود؛ حفظ قلب از جواسیس شیطانی
۴۵۸- ناصراً غیر منصور	(۱۹۳۸)	یاری کننده‌ای که یاری نمیشود؛ کمک در سلوک، ترقی در سلوک
۴۵۹- شاهداً غیر غائب	(۲۵۲۵)	گواه ناپنهان، آشکاری که پنهان نمیشود؛ مراقبه
۴۶۰- قریباً غیر بعید	(۱۶۰۹)	نزدیکی که دور نمیشود؛ ازدیاد قرب معنوی
۴۶۱- نور النّور	(۵۴۳)	روشنی روشنایی؛ صفای باطن
۴۶۲- منور النّور	(۵۸۳)	روشنی دهنده (روشنی بخش) روشنایی؛ ازدیاد توجهات حضرت حق
۴۶۳- خالق النّور	(۱۰۱۸)	آفریننده روشنایی؛ ملبس شدن به لباس نورانیت
۴۶۴- مدبّر النّور	(۵۳۳)	اداره کننده روشنایی؛ تحت سیطره انوار ائمه قرار گرفتن
۴۶۵- مقدر النّور	(۶۳۱)	اندازه بخش روشنایی؛ تجلیه صفات

۴۶۶- نور کل نور (۵۶۲)	روشنی هر روشنایی؛ فزونی توفیق
۴۶۷- نوراً قبل کل نور (۶۹۵)	روشنایی پیش از هر روشنایی؛توجّهات الهی قبل از بلوغ
۴۶۸- نوراً بعد کل نور (۶۳۹)	روشنایی پس از هر روشنایی؛ توجّهات الهی بعد از بلوغ
۴۶۹- نوراً فوق کل نور (۷۴۹)	روشنایی بالای هر روشنایی؛ طی کردن موفقیت آمیز مراحل سلوک
۴۷۰-نوراً لیس کمثله نور(۱۲۰۸)	روشنایی که همانندش روشنایی نیست؛ تجلّیات جمالی
۴۷۱- من عطائه شریف (۷۶۶)	آن که بخششش شرافتمندانه است؛ کرامت و بخشش بی اندازه
۴۷۲- من فعله لطیف (۴۰۴)	آن که کارش دقیق (با مهربانی) است؛ دقّت در انجام کارها
۴۷۳- من لطفه مقیم (۴۰۴)	آن که دلسوزیاش پایدار است؛ پابندگی لطف و رحمت، طلب رحمت از حق
۴۷۴- من احسانه قدیم (۳۶۹)	آن که در نیکوییاش دیرینه است؛ عدم زوال نعمت
۴۷۵- من قوله حق (۳۳۹)	آن که در گفتارش راست (درست) است؛ نیک گفتاری و صواب در قول
۴۷۶- من وعده صدق (۳۶۹)	آن که وعدهاش راست است؛ وفای راستین به وعده ها، پایداری به تعهدات
۴۷۷- من عفوه فضل (۱۱۶۱)	آن که در گذشتش برتری است؛ فزونی در بخشش گناهان
۴۷۸- من عذابه عدل (۹۷۲)	آن که عذابش از روی دادگری است؛ ظهور عدل در محاکم، عدالت خواهی
۴۷۹- من ذکره حلّو (۱۰۵۹)	آن که یادش شیرین است؛ لذّت بردن از ذکر
۴۸۰- من فضله عمیم (۱۱۶۵)	آن که فزون بخشیش همگانی است؛ نزول رحمت برای همهٔ بندگان
۴۸۱- مسهّل (۱۳۵)	هموار کننده، آسان کننده؛ تسهیل و رفع موانع زندگی
۴۸۲- مفصّل (۲۴۰)	جدا کننده؛ ایجاد فاصله بین پاکان و ناپاکان، فصل حقّ و باطل
۴۸۳- مبدّل (۷۶)	تبدیل کننده، دگرگون کننده؛
۴۸۴- مذلّل (۸۰۰)	تبدیل ردّایل به فضایل، تبدیل زشتی ها به نیکی ها، تبدیل مقذّرات
۴۸۵- منزّل (۱۲۷)	خوار و ذلیل و رام کننده؛ تخلیه و کشتن نفس اماره
	نازل کننده، فرود آورنده؛
۴۸۶- منوّل (۱۲۶)	برکت در جایگاه و خانه و نزول عافیت، رسیدن به جایگاه مناسب
۴۸۷- مفضل (۹۵۰)	عطا بخش، عطا کننده؛ قابلیت عطا یافتن، رسیدن به مقصود
۴۸۸- مجزل (۸۰)	فضیلت دهنده؛ توفیق در مستحبات، تفضّل یافتن، فاضل شدن
۴۸۹- ممهل (۱۱۵)	بخشندهٔ نعمت بزرگ، پاداش دهنده؛ قابلیت برای تفضّل گرفتن
۴۹۰- مجمل (۱۱۳)	مهلت دهنده (بخش)؛ عدم تسریع در عقاب، مهلت گرفتن قبل از مجازات
۴۹۱- من یری و لا یری (۵۶۷)	نیکوکار، خوب کننده؛ اصلاح کارها به صواب
۴۹۲- من یخلق و لا یخلق (۱۶۰۷)	آن که بیند و دیده نشود؛ لقاء الله
۴۹۳- من یهدی و لا یهدی'(۱۸۵)	آن که بیافریند و آفریده نشود؛ اکثار در تولید
	آن که ره نماید و رهبری نخواهد، آن که راهنمایی میکند و راهنمایی نمیشود؛
۴۹۴- من یحیی و لا یحیی' (۲۰۳)	راهنمایی و هدایت عام
۴۹۵- من یسنل و لا یسنل (۳۰۹)	آن که زنده میکند و زنده کرده نشود؛ زنده شدن دل
۴۹۶- من یطعم و لا یطعم (۳۸۵)	آن که سؤال کند از همه و سؤال کرده نمیشود؛ طلب تعلیم و تعلّم
۴۹۷- من یجیر و لا یجار علیه (۶۷۹)	آن که میخوراند و خورانده نشود؛اطعمه و اغذیه حلال و ریاضت جوع، خوراک حلال
۴۹۸- من یقضى و لا یقضى' علیه (۲۰۸۲)	آن که پناه دهد و پناه داده نشود؛ امّنیّت و حفظ
۴۹۹- من یحکم و لا یحکم علیه (۳۹۸)	آن که داوری میکند و داوری کرده نشود؛ عدالت ورزی
۵۰۰- من یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احد (۶۴۱)	آن که حکم راند و بر او حکم رانده نشود (محکوم نگردد)؛ فتوای به صواب
	آن که نه کسی فرزند اوست نه او فرزند کسی؛
۵۰۱- نعم الحسیب (۲۷۱)	دفع شرک جلی و خفی
۵۰۲- نعم الطیب (۲۱۴)	خوش (بهترین) حسابگر؛ مدیریت در دارایی و حسابگری
۵۰۳- نعم الرّقیب (۵۰۳)	بهترین طبیب (پزشک)؛ درمان دردها
۵۰۴- نعم القریب (۵۰۳)	بهترین نگهبان؛ حفظ حدود و مرزها و مراقبه، حفظ نفس و دفع لغزش ها
۵۰۵- نعم المجیب (۲۴۶)	بهترین نزدیک؛ تقرّب خاصّ الخاص
۵۰۶- نعم الحبیب (۲۱۳)	خوش اجابت کننده، بهترین پاسخگو؛ سرعت در اجابت
۵۰۷- نعم الکفیل (۳۳۱)	بهترین دوست؛ دوستی الهی
۵۰۸- نعم الوکیل (۲۵۷)	بهترین عهدهدار؛ قیّم و عهده دار پابرجا، تفویض امور واگذاری کارها
۵۰۹- نعم المولی (۲۷۷)	بهترین کارگزار؛ وکالت موفّق
۵۱۰- نعم النصیر (۵۴۱)	بهترین سرپرست؛ سرپرست خوب و استاد
۵۱۱- سرور العارفین (۹۰۸)	بهترین یاور؛ نصرت در کارهای مادی و معنوی
۵۱۲- منی المحبّین (۲۴۱)	شادی عارفان؛ تجلّیات خاص برای قلوب عارفان
۵۱۳- انیس المریدین (۴۶۶)	آرزوی دوستداران؛ ازدیاد دوستی دوستان، رسیدن به محبوب و انیس
۵۱۴- حبیب التّوابین (۵۲۲)	همدم خواستاران (ارادتمندان)؛ مونس شدن مرید به مراد
۵۱۵- رازق المقلّین (۵۶۹)	دوست بازگشت کنندگان؛ رغبت در بازگشت از گناه
۵۱۶- رجاء المذنبین (۱۰۸۷)	روزی دهندهٔ کم بضاعتان، روزی رسان بیبضاعتان؛ دفع فقر
۵۱۷- قرّة عین العابدین (۶۰۳)	امید گنه کاران؛ مطلوب بازگشت کنندگان از ذنوب
۵۱۸- منقّس عن المکروبین(۷۰۹)	روشنی چشم عبادت کنندگان؛ تقویت در بصیرت به عبادت
۵۱۹- مفرّج عن المغمومین (۱۶۶۰)	گشایندهٔ گرفتاران، رهایی کنندهٔ غمزدگان؛ راه گشایی در مشکلات، سعه ی صدر
	زدایندهٔ اندوه از غمزدگان؛ انبساط غمدیدگان، رفع غم و اندوه

۵۲۰- اله الاولین و الاخرین (۱۰۶۲)	پرستش شدهٔ اولین و آخرین، معبود پیشینیان و پسینیان؛
۵۲۱- ربّنا	پروردگار ما؛
۵۲۲- الهنا	معبود ما ؛
۵۲۳- سیّدنا	آقای ما؛
۵۲۴- مولینا	سرپرست ما؛
۵۲۵- ناصرنا	یاور ما؛
۵۲۶- حافظنا	نگهدار ما؛
۵۲۷- دلیلنا	رهنمای ما؛
۵۲۸- معیننا	کمک کار ما؛
۵۲۹- حبیبنا	دوست ما؛
۵۳۰- طبیبنا	پزشک ما؛
۵۳۱- ربّ التّبیّین و الابرار(۷۹۶)	پروردگار پیغمبران و نیکان؛ مربّی نفوس خاص
۵۳۲- ربّ الصّدیّقین و الاخیار(۱۳۴۶)	پروردگار راستگویان و نیکوکاران (برگزیدگان)؛ تربیت افراد قابل
۵۳۳- ربّ الجنّة و النّار	(۵۷۹) پروردگار بهشت و دوزخ (آتش)؛ ورود به بهشت و دوری از جهنّم
۵۳۴- ربّ الصّغار و الکبار	(۱۷۸۴) پروردگار خردسالان و بزرگسان؛ تربیت فرزندان و نگهداری سالخوردهگان
۵۳۵- ربّ الحبوب و الثّمار	(۱۰۲۹) پروردگار دانهها و میوهها؛ برای به ثمر رسیدن حبوبات و مرکبات و سیفی جات
۵۳۶- ربّ الانهار و الاشجار (۱۰۳۲)	پروردگار جویها (نهرها) و درختها؛ فوران آب چشمه ها و به ثمر رسیدن درختان
۵۳۷- ربّ الصّحاری و القفار (۹۶۰)	پروردگار بیابانها و دشتها، پروردگار صحراها و کویرها؛
۵۳۸- ربّ البراری و البحار	(۸۹۴) پروردگار بادیهها (خشکیها) و دریاها؛ طیّ طریق سالم بر روی زمین و دریا
۵۳۹- ربّ الّیل و النّهار	(۵۹۶) پروردگار شب و روز؛ استفاده از ساعات شبانه روز
۵۴۰- ربّ الاعلان و الاسرار(۸۸۴)	پروردگار آشکارها و نهانها (رازها)؛ دوستی در ظاهر و باطن
۵۴۱- من نفذّ فی کلّ شیء امره	(۱۶۱۶)آن که نافذ است در هر چیز فرمانش؛ تنفیذ نفّس رحمانی
۵۴۲- من لحق بکلّ شیء علمه	(۷۳۵) آن که در برگرفته همه چیز را دانش او؛ دفع چهل
۵۴۳- من بلغت الی کلّ شیء قدرته	(۲۶۳۲) آن که رساست به هر چیز قدرتش؛ استدامت قدرت در زندگی
۵۴۴- من لا تحصی العباد نعمه	(۹۰۲) آن که نعمتهایش را بندگان نمیتوانند بشمارند؛ افزونی نعمت ها
۵۴۵- من لا تبلغ الخلائق شکره	(۲۸۴۱) آن که برنیايند خلائق از عهده شکرش؛ ازدیاد شکر نعمت ها
۵۴۶- من لا تدرک الافهام جلاله	(۹۷۲) آن که در نیابند فهمها بزرگ قدریاش را؛ رشد عقل و زیرکی
۵۴۷- من لا تنال الاوهام کنهه	(۷۶۶) آن که پی نبرند افکار به حقیقتش آن طور که هست؛ دفع تخیل
۵۴۸- من العظمة و الکبریاء ردائه (۱۶۱۷)	آن که عظمت و بزرگی لباس اوست؛
۵۴۹- من لا تردّ العبادُ قضائه	(۱۷۴۰) بزرگ منشی و ملّیس به لباس عزّت و آبرو شدن
۵۵۰- من لا ملک الا ملکه	(۳۳۸) آن که بندگان نمیتوانند حکمش را برگردانند؛ ثابت بودن نظر و حکم، ثبات و تغییر ناپذیری
۵۵۱- من لاعطاء الا عطاؤه	(۳۱۹) آن که نیست بخششی جز بخشش او؛ ثبوت زمین و خانه و مال، حفظ سلطنت
۵۵۲- من له المثل الاعلی	(۸۶۸) تقدیر از بخشش، اجابت دعا و تقاضای مدد
۵۵۳- من له الصّفات العلیا	(۸۶۹) آن که برای اوست مثل (نمونه) عالیتَر؛ اسوه و الگویی برای خوبی ها، الگو پذیری
۵۵۴- من له الآخرة و الاولی'	(۱۰۴۶) آن که او راست صفات والا تر (برتر)؛ کسب صفات پسندیده
۵۵۵- من له الجنّة المأوی'	(۳۰۲) آن که از اوست پایان (انجام) و آغاز؛ عافیت و آغاز و انجام کار
۵۵۶- من له الایات الکبری'	(۸۳۱) آن که او راست بهشت و جایگاه ابدی؛ منزل با آسایش
۵۵۷- من له الاسماء الحسنی'	(۴۱۷) آن که از اوست نامهای بهتر (نیکوتر)؛ مظهریت اسماء الهی
۵۵۸- من له الحکم و القضاء	(۱۱۶۲) آن که او راست حکم و فرمان؛ تنفیذ و صواب بودن حکم و نظر
۵۵۹- من له الهواء و الفضاء	(۱۰۸۵) آن که او راست هوا و فضا؛ درمان امراض تنفّسی و دفع تیرگی ها
۵۶۰- من له العرش و الثّری'	(۱۴۷۳) آن که او راست عرش و زمین؛ سیر و سیاحت در زمین و آسمان
۵۶۱- من له السّموات العلی'	(۸۰۴) آن که از اوست آسمانهای بلند؛ بلند شدن مقام
۵۶۲- عفوّ	(۱۵۶) بخشنده، درگذشت کنندهٔ بسیار؛ آمرزش و امید به پاک شدن اعمال سیّئه
۵۶۳- غفور	(۱۲۸۶) بسیار آمرزنده؛ بخشش معاصی و وسواس، ایمن بودن از خطرات
۵۶۴- صبور	(۲۹۸) بردبار، شکبیا؛ اطمینان باطن و صبر جمیل، صبر در مصائب
۵۶۵- شکور	(۵۲۶) بسیار سپاس پذیر ؛ دفع غم، وسعت معیشت و پاک شدن از غلّ و غش
۵۶۶- رؤف	(۲۸۷) بسیار مهربان؛
۵۶۷- عطوف	(۱۶۵) نجات مظلوم از زندان، رحمت خاص و جذب شفاعت، نرمی دل و مهربانی
۵۶۸- مسئّول	(۱۳۶) پیوند کنندهٔ مهربان، با محبّت؛ همبستگی بین فامیل
۵۶۹- ودود	(۲۰) درخواست شده، خواهش شده؛ پذیرش از طرف عالی به دانی
۵۷۰- سبّوح	(۷۶) بسیار دوست دارنده؛ محبّت و دوستی، الفت و تبدیل عداوت به دوستی
	منزّه، مورد تسبیح و دعا؛ تصفیه نفس و روح

۵۷۱- قدوس	(۱۷۰)	پاک و مبارک، مقدّس؛
۵۷۲- من فی السماء عظمتہ(۱۷۲۷)		پاک شدن باطن از رذائل و ایمنی از شرّ وسوسه شیطان
۵۷۳- من فی الارض آیاته (۱۶۲۹)		آن که بزرگیاش در آسمان است؛ سیر در آفاق
۵۷۴- من فی کلّ شیء دلائله(۶۱۱)		آن که در زمین است نشانههای او؛ یافتن حجج و براهین ارضی آن که در هر چیزی است راهنمایش؛
۵۷۵- من فی البحار عجائبه (۵۰۴)		روشنی یافتن نفس از نمونه های حقّانی
۵۷۶- من فی الجبال خزائنه (۹۱۱)		آن که در دریاهاست شگفتیهایش؛ استخراج گوهر و صید
۵۷۷- من یبدء الخلق ثم یعیده (۱۵۰۷)		آن که در کوههاست گنجینههایش؛ استخراج از معادن
۵۷۸- من الیه یرجع الامرُ کلّه (۷۴۶)		آن که آغاز کند آفرینش را سپس برگرداند؛ سفر من الخلق الی الحق
۵۷۹- من اظهر فی کلّ شیء لطفه (۱۷۷۱)		آن که همه کارها به سوی او برگردد؛ تفویض امو و واگذاری کار آن که نمایان است در هر چیز نرمی نمودنش (مهربانیش)؛ بینایی به زیبایی های آفریده
۵۸۰- من احسن کل شیء خلقه (۱۳۰۵)		آن که نیکو ساخت هر چیز را آفرینشش؛ عین الیقین
۵۸۱- من تصرف فی الخلائق قدرته (۲۴۲۲)		آن که تصرف دارد در آفریدهها توانایش؛ ظهور و اعمال قدرت خاص
۵۸۲- حبیب من لا حبیب له (۲۰۰)		دوستدار آن که دوستداری برایش نیست ؛ محبوب یابی مطلق
۵۸۳- طبیب من لا طبیب له (۲۰۲)		پزشک آن که پزشکی برایش نیست؛
۵۸۴- مجیب من لا مجیب له (۲۶۶)		درمان صفات رذیله، درمان امراض جسمانی
۵۸۵- شفیق من لا شفیق له(۱۱۳۶)		پاسخگویی آن که پاسخگویی برایش نیست؛ استجابت دعا
۵۸۶- رفیق من لا رفیق له (۹۳۶)		دلسوز آن که دلسوزی برایش نیست؛ ایجاد مهر بین خواص
۵۸۷- مغیث من لا مغیث له (۳۲۵۶)		همراه آن که همراهی برایش نیست؛ ایجاد مهر و محبّت بین نزدیکان
۵۸۸- دلیل من لا دلیل له (۳۰۴)		فریادرس آن که فریادرسی برایش نیست؛ پناه بردن به فریادرس(دادرس)
۵۸۹- انیس من لا انیس له (۳۹۸)		راهنمای آن که راهنمایی برایش نیست؛ یافتن استاد و معلّم
۵۹۰- راحم من لا راحم له (۶۵۴)		همدم آن که برایش همدمی نیست؛ مونس شدن به حضرت باری
۵۹۱- صاحب من لا صاحب له (۳۵۸)		رحم کننده آن که رحم کنندهای برایش نیست؛ رفع غلظت قلب
۵۹۲- کافی من استکفاه (۷۶۸)		یار آن که یاری برایش نیست؛ یافتن رفیق راه
۵۹۳- هادی من استهداه (۵۸۶)		بسنده کننده برای آن که بسندگی طلبد از او؛ مکفّی شدن به اندازه ضرورت زندگی
۵۹۴- کالی من استکلاه (۶۶۸)		هدایت کننده آن که هدایت طلبد از او ؛ هدایت عموم مردم
۵۹۵- راعی من استرعاہ (۱۱۰۸)		پاسدار آن که پاسداری طلبد از او؛ حفظ و حراست از خانواده
		رعایت کننده هر که از او رعایت خواهد، نگهدارنده (حراست کننده)
		آن که نگهداری طلبد از او؛ مراقبه نفس
596- شافی من استشفاه(۱۳۲۸)		شفابخش آن که شفا طلبد از او؛ شفا و درمان امراض صعب العلاج
597- قاضی من استقصاه (۲۳۷۷)		داور آن که داوری طلبد از او؛ داوری عادلانه
598- مغنی من استغناه (۲۷۰۷)		بینیاز کننده آن که بینیازی طلبد از او؛ دفع فقر و نداری
599- موفی من استوفاه (۷۷۹)		وفادار آن که وفاداری طلبد از او؛ ایفای آن چه حقوق به عهده دارد
۶۰۰- مقوّی من استقواه (۸۱۹)		نیروبخش آن که نیروبخشی طلبد از او؛ تقویت در طیّ منازل طریق
۶۰۱- ولیّ من استولاه (۶۳۹)		یار آن که یاری طلبد از او؛ طلب ولایت خاصّه
۶۰۲- خالق (۷۳۱)		آفریدگار، آفریننده؛ استحکام عقیده در مخلوقات حق تعالی
۶۰۳- رازق (۳۰۸)		روزی دهنده؛ طلب رزق بی زحمت
۶۰۴- ناطق (۱۶۰)		متکلم، گوینده؛ خطیب و سخنران شدن
۶۰۵- صادق (۱۹۵)		راستگو؛ حصول صدق و صفا
۶۰۶- فالق (۲۱۱)		آفریدگار صبح و سپیده دم، شکافنده؛
۶۰۷- فارق (۳۸۱)		پیدا شدن راه گم شده، موشکافی در کارهای دقیق و مشکل
۶۰۸- فاتق (۵۸۱)		پراکنده کننده دشمن، جدا کننده؛ فاصله و جدایی میان خوبان و بدان
۶۰۹- راتق (۷۰۱)		شکافنده، گشاینده بستهها؛ بیرون آمدن از جمود و استخراج معادن
		پیوند دهنده، بسته کننده گشوده ها؛
۶۱۰- سابق	(۱۶۳)	ترمیم کننده مشکلات گذشته و جوش خوردن استخوان های شکسته پیش افتاده، پیش تر؛
۶۱۱- سامق	(۲۰۱)	وارث خوب گذشتگان و تکرار لطف گذشته، سبقت گرفتن در امور
۶۱۲- من یقلبّ الّیل و النّهار (۶۲۶)		بلند کننده، برتر؛ بلند آوازه و هنرمند شدن
۶۱۳- من جعل الظلمات و الانوار(۱۸۹۰)		آن که زیر و رو کند (بگرداند) شب و روز را؛ انقلاب درونی
۶۱۴- من خلق الظلّ و الحرور(۲۲۳۲)		آن که قرار داد تاریکیها و روشنایی ها را؛ علم الیقین
۶۱۵- من سخر الشّمس و القمر (۱۷۵۸)		آن که آفرید سایه و گرما را؛ استفاده از صفات جمالی و جلالی
		آن که به تصرف در آوری خورشید و ماه را؛
۶۱۶- من قدرّ الخیر و الشّرّ (۱۷۷۲)		تصرف در نفوس مذکر و مؤنث آورد
۶۱۷- من خلق الموت و الحیوة (۱۷۵۸)		آن که به اندازه در آورد نیکی و بدی را؛ اقبال به خیر و ادبار از شهر
۶۱۸- من له الخلق و الامر (۱۱۶۴)		آن که آفرید مرگ و زندگی را؛ عبرت از انتقال و تبدیل
۶۱۹- من لم یتّخذ صاحبة و لا ولداً(۲۴۴۹)		آن که از اوست آفرینش و فرمان؛ آگاهی از عالم ناسوت و لاهوت
		آن که نگرفته همسری و نه فرزندی؛ میل همدمی به حق

۶۲۰-	من ليس له شريك فى الملك(۹۶۶)	آن که نیست برای او همتایی در فرمانروایی؛ دفع شرک
۶۲۱-	من لم يكن له وليّ من الذلّ (۱۱۷۲)	آن که نبود برای او یاورى (سرپرستی) از خوار شدن؛ یافتن یار عزیز
۶۲۲-	من يعلم مراد المريدین (۸۳۰)	آن که میداند خواستهٔ مشتاقان (ارادتمندان) را؛ رسیدن مشتاقان به مراد
۶۲۳-	من يعلم ضمير الصّامتين (۱۹۱۲)	آن که میداند نهان خاموشان را؛ علم ضمیر
۶۲۴-	من يسمع انين الواهنيين (۵۳۴)	آن که بشنود ناله خسته دلان را؛ مناجات و راز و نیاز
۶۲۵-	من يرى' بكاء الخائفين (۱۱۰۷)	آن که مینگرد گریهٔ ترسندگان را؛ ازدیاد گریه از خوف الهی
۶۲۶-	من يملك حوائج السائلین (۳۹۲)	آن که در اختیار دارد خواستههای سؤال کنندگان را؛ قضای حوائج
۶۲۷-	من يقبل عذر التائبين (۱۶۹۷)	آن که میپذیرد بهانهٔ بازگشت کنندگان را؛ آمرزش گناهان و پذیرش توابین
۶۲۸-	من لا يصلح عمل المفسدين(۶۷۴)	آن که اصلاح نمیکند کار بدکاران را؛ تنبّه و چوب زدن فاسدان
۶۲۹-	من لا يضيع اجر المحسنين (۱۴۶۴)	آن که ضایع نمیکند مزد نیکوکاران را؛ ترغیب به نیکوکاری
۶۳۰-	من لا يبعد عن قلوب العارفين(۹۰۷)	آن که دور نمیشود از دل عارفان؛ قرب عارفان به معروف
۶۳۱-	اجواد الاجودين (۱۱۹)	بخشنده ترین بخشندگان؛ متّصف شدن به جود و بخشش، رفع بخل
۶۳۲-	دائم البقاء (۱۸۱)	همیشه پایدار؛ بقاء بالله، پایداری و استقامت
۶۳۳-	سامع الدعاء (۲۷۸)	شنوای درخواست؛ استجابت دعا و استماع راز و نیاز برزخی
۶۳۴-	واسع العطاء (۲۴۹)	فراوان (با وسعت) در بخشش؛ ازدیاد مواهب الهی
۶۳۵-	غافر الخطاء (۱۹۲۳)	آمرزندهٔ گناهان (سهوی و اشتباهی)؛ آمرزش خطاهای عمومی
۶۳۶-	بديع السماء (۲۱۹)	نو بیرون آورندهٔ (پدید آورندهٔ) آسمان؛ زیبایی و نوآوری در تصنّع
۶۳۷-	حسن البلاء (۱۸۳)	نیکو آزمایش؛ قبولی امتحانات
۶۳۸-	جميل الثناء (۶۶۵)	زیبا ستایش؛ متّصف شدن زبان به نیکی، به نیکی ستایش کردن
۶۳۹-	قديم السناء (۲۹۶)	دیرینه فروغ (فراز)؛ تفکّر در تجلّی صفاتی
۶۴۰-	كثير الوفاء (۸۴۸)	(بسیار) پر وفادار؛ متخلّق به وفاداری، پایداری در تعهدات
۶۴۱-	شريف الجزاء (۶۲۳)	صاحب شرف در پاداش دادن؛ قبول شدن اعمال
۶۴۲-	ستّار (۶۶۱)	بسیار پوشنده (پرده پوش)؛ پرده پوشی عیوب، در حجاب حق قرار گرفتن
۶۴۳-	غفّار (۱۲۸۱)	بسیار آمرزنده؛ آمرزش
۶۴۴-	قهار (۳۰۶)	بسیار چیره؛ بیرون رفتن محبّت دنیا
۶۴۵-	جبار (۲۰۶)	بسیار جبران (غلبه) کننده؛
۶۴۶-	صبّار (۲۹۳)	خاشع شدن جبّاران، جبران فقر و کمبودها و محفوظ شدن مظلوم از ظالم
۶۴۷-	بارّ (۲۰۳)	بسیار شکيبا؛ زیاد شدن استقامت در حوادث
۶۴۸-	مختار (۱۲۴۱)	بسیار نیکوکار؛ نیک کرداری و نیکویی
۶۴۹-	فتّاح (۴۸۹)	اختیار دار، صاحب اختیار؛
۶۵۰-	نقّاح (۱۳۹)	دفع مملوکیّت، مستقیم در آزادی و رأی، صاحب رأی و نظر شدن
۶۵۱-	مرتّاح (۶۴۹)	بسیار گشاینده؛ رفع حجب از دل، گشایش کارهای مغلق، گشایش امور
۶۵۲-	من خلقنى و سوّانى (۱۰۱۳)	بسیار دمنده (دهنده) ؛ جذب نسیم های خاصّ الهی
۶۵۳-	من رزقنى و ربّانى (۷۲۶)	(خرسند) بسیار فرح بخش؛خشنودی و رضایت، دفع قبض، راحتی روح و روان
۶۵۴-	من اطعمنى و سقانى(۴۹۷)	آن که مرا آفرید تسویه یکسان نمود؛
۶۵۵-	من قرّبنى و ادنانى (۵۷۴)	رشد و بلوغ کارها به صواب و فرزند سالم و صالح
۶۵۶-	من عصمنى و كفانى (۵۱۷)	آن که روزی داد مرا و پرورش داد (پرورش داده)؛ رزق و رشد فکری و روحی
۶۵۷-	من حفظنى و كلانى (۱۲۵۵)	آن که مرا خورانید و نوشانید؛ طعام و شراب حلال
۶۵۸-	من اعزّنى و اغنانى (۱۳۴۶)	آن که نزدیک کرد مرا و از نزدیکان قرار داد (پهلوی خود آورد)؛
۶۵۹-	من وّقنى و هدانى (۴۱۲)	به درجات مقرّبین رسیدن
۶۶۰-	من آنسنى و اوانى (۳۳۵)	آن که بازداشت مرا از گناه کفایت نمود؛ کفایت امور و عصمت عرضی
۶۶۱-	من امانتى و احيانى (۶۷۸)	آن که نگه داشت مرا و حفظ کرد؛ محفوظ شدن
۶۶۲-	من يحقّ الحقّ بكلماته(۸۴۵)	آن که گرامی داشت مرا و بینیازم (توانگر) ساخت؛ غنا و عزّت دارین
۶۶۳-	من يقبل التّوبة عن عباده(۱۲۷۳)	آن که مرا توفیق داد و هدایت کرد؛ توفیق درک و پیاده کردن دین
۶۶۴-	من يحول بين المرء و قلبه(۶۲۰)	آن که مرا همدم شد و در پناه خود گرفت؛ انیس پیشگاه حضرت حق شدن
۶۶۵-	من لا تنفع الشّفاعۃ الا باذنه(۲۳۹۳)	آن که مرا بیماراند و زنده کند؛ کشته شدن نفس اماره و حیات دل
۶۶۶-	من هو اعلم بمن ضلّ عن سبيله(۱۳۹۱)	آن که محقق میشود حق با سخنانش ؛
۶۶۷-	من لا معقّب لحكمه (۴۳۶)	لباس حق پوشیدن و داشتن زبان گویا در احقاق حق
۶۶۸-	من لا راّد لقضائه (۱۲۶۳)	آن که میپذیرد توبه را از بندگانش ؛ توفیق توبه یافتن
۶۶۹-	من انقاد كل شىء لامره (۸۸۲)	آن که حایل شود میان شخص و قلبش (دلش)؛ رفع حجب
۶۷۰-	من السّموات مطویّات بیمینه (۱۲۱۱)	آن که سود نبخشد میانجیگری جز با اجازهٔ او؛
۶۷۱-	من يرسل الرّياح بشراً بين یدی رحمته(۱۸۸۲)	اسباب به جا و واقعی و شفاعت آخرت
۶۶۶-	من هو اعلم بمن ضلّ عن سبيله(۱۳۹۱)	آن که اوست دانا بدانکه گمراه شد از راهش؛ عدم گمراهی
۶۶۷-	من لا معقّب لحكمه (۴۳۶)	آن که نیست پس زننده ای بر داوری او (ای آن که پیگردی ندارد فرمانش)ابقای حکم
۶۶۸-	من لا راّد لقضائه (۱۲۶۳)	آن که نیست رد کنندهای بر مشیّت (تقدیر) او؛ قضا و قدر ممدوح و صواب
۶۶۹-	من انقاد كل شىء لامره (۸۸۲)	آن که رام (مطیع) است هر چیز برای فرمانش؛ نفوذ کلمه، تسلّط امور
۶۷۰-	من السّموات مطویّات بیمینه (۱۲۱۱)	آن که آسمانها را در هم پیچیده ؛ طیّ الارض
۶۷۱-	من يرسل الرّياح بشراً بين یدی رحمته(۱۸۸۲)	آن که فرستد باده‌ها مژدگانی در پیشاپیش رحمتش؛

۶۷۲- من جعل الارض مهاداً	(۱۲۷۶)	آن که قرار داد زمین را بستر و مهد آسایش؛ سیر و سیاحت در زمین
۶۷۳- من جعل الجبال اوتاداً	(۶۷۳)	آن که قرار داد کوهها را میخهایی؛ قرار و سکونت دل
۶۷۴- من جعل الشّمس سراجاً	(۸۸۹)	آن که قرار داد آفتاب را چراغی روشن؛ سیر در آفاق
۶۷۵- من جعل القمر نوراً	(۸۲۱)	آن که قرار داد ماه را روشنائی (تابان)؛ توفیقات شبانگاهی
۶۷۶- من جعل الّیل لباساً	(۳۸۸)	آن که قرار داد شب را پوشش (جامه راحتی)؛
۶۷۷- من جعل النّهار معاشاً	(۸۹۲)	آن که قرار داد روز را برای زندگی؛ ازدیاد رزق روزانه
۶۷۸- من جعل التّوم سباتاً	(۷۸۴)	آن که قرار داد خواب را مایه آسایش؛
۶۷۹- من جعل السّماء بناءً	(۳۷۸)	آن که قرار داد آسمان را افراشته؛ صعود در منازل طریق
۶۸۰- من جعل الاشياء ازواجاً	(۵۵۴)	آن که قرار داد همه چیزها را جفت؛
۶۸۱- من جعل النّار مرصاداً	(۸۰۹)	پیوند و همبستگی و باروری درختان تلقیح شونده
۶۸۲- سمیع	(۱۸۰)	آن که قرار داد آتش را کمینگاه؛ مغلوب شدن دشمنی
۶۸۳- شفیع	(۴۶۰)	شنوا؛ استجابت دعا و شنیدن گوش ظاهری و برزخی
۶۸۴- رفیع	(۳۶۰)	شفاعت کننده، میانجی گر؛ فراهم شدن اسباب برای رسیدن به مقاصد عظیمه، واسطه قرار دادن
۶۸۵- منیع	(۱۷۰)	بلند پایه؛ ترقّی درجات معنوی، ترفیع مقام
۶۸۶- سریع	(۳۴۰)	فرازنده، بسیار ارجمند؛ قرار گرفتن شخصیت در پوشش عزّت
۶۸۷- بدیع	(۸۶)	شتابکار، شتابنده؛ زود یافتن حاجت
۶۸۸- کبیر	(۲۳۲)	نو بیرون آورنده، پدید آورنده؛ درست شدن کارها و نجات از اندوه و کار فرو بسته، ابتکار و نوآوری
۶۸۹- قدیر	(۳۱۴)	بزرگ؛ بزرگی در ظاهر و باطن، ارتباط ارواح و مجردات
۶۹۰- خبیر	(۸۱۲)	توانا؛ قوّت قلب و تسلّط بر کارها
۶۹۱-مجیر	(۲۵۳)	آگاه، دانا؛ اطلاع پیدا کردن بر ضمایر و اسرار قلوب
۶۹۲- حیّاً قبل کلّ حیّ	(۲۱۹)	پناه بخش، در پناه گیرنده؛ جایگاه و منزل مناسب یافتن، ایمنی از عذاب، رفع ذلّت و خواری
۶۹۳- حیّاً بعد کلّ حیّ	(۱۶۳)	زنده پیش از هر زنده؛ شروع زندگی عارفانه، حیات قلب
۶۹۴- حیّ الذی لیس کمثله حیّ	(۱۴۷۲)	زنده پس از هر زنده؛ حیات قلب، بیداری قلب و فکر و ذهن
۶۹۵- حیّ الذی لا یشارکه حیّ	(۱۳۴۴)	زنده ای که نیست همانندش زندهای؛ حیات دنیا و آخرت
۶۹۶- حیّ الذی لا یحتاج الی حیّ	(۱۲۷۱)	زندهای که همکاری نکرده او را زندهای؛ حیات باقیه برای نفوس خاصه، جاودانی در حیات معنوی
۶۹۷- حیّ الذی یمیت کلّ حیّ	(۱۲۸۷)	زنده ای که نیاز ندارد به زندهای؛ برای زندگی اشخاص تنها
۶۹۸- حیّ الذی یرزق کلّ حیّ	(۱۱۴۴)	زندهای که بمیراند (میمیراند) هر زنده را؛ توحید افعالی
۶۹۹- حیاً لم یرث الحیوة من حیّ	(۱۳۶۲)	زندهای که روزی دهد هر زنده ای را؛ رزق حلال عامه
۷۰۰- حیّ الذی یحیی الموتی	(۱۲۸۴)	زنده ای که نگرفته زندگی از زنده دیگر، زندهای که به ارث نبرده زندگانی را از زندهای؛ علم الیقین به حیات ازلی
۷۰۱- حیّ یا قیوم لا تأخذه سنة و لا نوم	(۲۵۶۶)	زنده ی پاینده که نگیردش چُرت و نه خواب، زنده ای پایدار که او را چرت و خواب نگیرد؛ بیداری و عدم غفلت، پایداری حیات بخش
۷۰۲- من له ذکر لا ینسی	(۱۲۱۲)	آن که یادش فراموش نشود آن که برای اوست یادی که فراموش نشود؛ ازدیاد ذکر خدا، عدم فراموشی، باقی ماندن یاد و نام در روزگار
۷۰۳- من له نورّ لا یطفی	(۵۲۱)	آن که نورش خاموش نگردد، آن که برای اوست روشنائی که خاموش نگردد؛ بقای بر نورانیت ذات و صفات، حیات قلب
۷۰۴- من له نعم لا تعدّ	(۷۹۰)	آن که نعمت هایش آمار نشود، آن که برای اوست نعمتهایی که به شمارش نیاید؛ شکر نعمت های مادی و معنوی، ازدیاد نعمات الهی
۷۰۵- من له ملک لا یزول	(۳۹۹)	آن که سلطنتش زوال ندارد، آن که برای اوست فرمانروایی که زایل نگردد؛ ابقای مقام
۷۰۶- من له ثناء لا یحصى	(۸۲۵)	آن که ستایشش شمرده نشود، آن که برای اوست حمد و ثنایی که شمرده نشود؛ مدح و ثنای حق
۷۰۷- من له جلال لا یکیف	(۳۴۰)	آن که جلالش چگونگی نپذیرد، آن که برای اوست بزرگی که چگونگی نپذیرد؛ علم به اسماء جلالی، برای بزرگی یافتن
۷۰۸- من له کمال لا یدرک	(۴۸۱)	آن که کمالش درک نشود، آن که برای اوست کمالی که درک نشود؛ رشد به کمالات واقعی
۷۰۹- من له قضاء لا یردّ	(۱۲۷۱)	آن که قضایش رد ندارد، آن که برای اوست داوری که ردّ نگردد؛ مقام تسلیم و رضا، داوری
۷۱۰- من له صفات لا تبدّل	(۱۱۶۳)	آن که صفاتش دگرگونی نپذیرد، آن که برای اوست صفاتی که دگرگون نگردد؛ عدم زوال صفات حسنه، ثبات و رفع تلّون

۷۱۱- من له نعت لا تغیر(۲۲۹۲) آن که نمایشهایش تغییر نپذیرد، آن که برای اوست تعریف هایی که تغییر نکند؛	
۷۱۲- ربّ العالمین (۴۳۴) پروردگار جهانیان؛ تربیت و رشد در دنیا و آخرت	
۷۱۳- مالک يوم الدّین (۲۴۲) مالک روز جزا، فرمانروای روز جزا، صاحب جزا؛ توفیقات حسنات در ایام خاص	
۷۱۴- غایة الطّالبین (۱۱۴۹)نهایت جویندگان، هدف نهایی جویندگان؛ راه یابی جویندگان هدف، رسیدن به مقصود	
۷۱۵- طهر اللّاجین (۱۲۳۰) پشت و پناه پناهندگان، پشتیبان پناهندگان؛ ازدیاد امید ناامیدان، رفع بی کسی در غربت	
۷۱۶- مدرک الهاربین (۵۶۳) دریابنده ی گریختگان، دریابنده ی فرار کنندگان؛	
پناه دادن رجوع کنندگان از خطا، پناه دادن و رجوع افراد فراری به وطن، باز آوردن گمشده	
۷۱۷- من یحبّ الصّابرن (۴۹۴) آن که دوست دارد شکیبایان را؛ صبر و استقامت	
۷۱۸- من یحبّ التّوّابین (۶۱۸) آن که دوستدار توبه کاران است، آن که دوستدار بازگشت کنندگان را ؛	
توفیق توبه و انابه	
۷۱۹- من یحبّ المتطهّرن (۸۶۳) آن که دوستدار پاکیزگان است، آن که دوستدار پاکیزگان را ؛ طهارت ظاهری و باطنی	
۷۲۰- من یحبّ المحسنین (۳۵۹) آن که دوستدار نیکوکاران است، آن که دوست دارد نیکوکاران را ؛ ازدیاد نیکوکار	
۷۲۱- من هو اعلم بالمهتدین(۷۸۴) آن که داناتر به راه یافتگان است، آن که اوست داناتر به راه هدایت یافتگان ؛	
هدایت عامّه	
۷۲۲- شفیق (۴۹۰) مهربان، اندرز دهنده ی مهربان؛ ازدیاد محبّت میان اقوام درجه یک	
۷۲۳- رفیق (۳۹۰) همراه، دوست و همراه؛ دوست یابی	
۷۲۴- حفیظ (۹۹۸) حفیظ، نگهدار، نگهدار؛	
حفظ از موذیات، ترسیدن از هلاکت، محفوظ ماندن از شرّ مخلوقات و امراض، دفع خیالات فاسده	
۷۲۵- محیط (۶۷) فرادارنده، در بر گیرنده؛ علم و معرفت	
۷۲۶- مقیت (۵۵۰) روزی بخش، نیرو بخش؛ توسعه ی رزق، صبر، یادگیری علم، مطیع شدن نفس	
۷۲۷- مغیث (۱۵۵۰) دادرس، فریادرس، به فریاد رسنده؛ استغاثه از حضرت مستعاث، فریادرسی ناتوان	
۷۲۸- معزّ (۱۱۷) عزیز کننده، گرمی دارنده؛ عزیز شدن در دنیا و آخرت	
۷۲۹- مدلّ (۷۷۰) خوار کننده، دلیل کننده؛ دلیل شدن دشمن، ایمنی مظلوم	
۷۳۰- مبدیء (۵۶) آغازنده، پایه گذارنده، آغازگر؛ شروع کارها، طلب فرزند، آسان شدن وضع حمل، ازدیاد شیر	
۷۳۱- معید (۱۲۴) برگرداننده، بازگرداننده، باز آورنده؛ حفظ خانه، رجوع مسافر، غایب نشدن چیزی، سعادت ایمان	
۷۳۲- من هو احد بلا ضدّ (۹۵۱) آن که یگانه است و ضدّ ندارد، آن که اوست یکتای بی مخالف؛	
تحمید احدیّت و یکتایی	
۷۳۳- من هو فرد بلا ندّ (۴۷۲) آن که یکتاست و برابری ندارد، آن که اوست یگانه ی بی مخالف؛	
دفع اضداد، خالص شدن قلب از رقیب	
۷۳۴- من هو صمد بلا عیب (۳۵۰) آن که بی نیاز است و کاستی ندارد، آن که اوست بینیاز بدون عیب ؛	
تقویت اراده، ثروت با برکت	
۷۳۵- من هو وتر بلا کیف (۸۵۰) آن که تنهاست و چگونگی ندارد، آن که اوست تنهای بدون کیفیّت ؛ توحید صفاتی	
۷۳۶- من هو قاض بلا حیف (۱۱۳۳) آن که قضاوت کند و خلاف حق ندارد، آن که اوست قضاوت کننده ی بدون ظلم ؛	
قضاوت به حق	
۷۳۷- من هو ربّ بلا وزیر (۵۵۹) آن که پروردگار است بینیاز به وزیر، آن که اوست پروردگار بدون دستور دهنده ؛	
تنظیم و ترتیب امور بدون دخالت افکار دیگران	
۷۳۸- من هو عزیزّ بلا ذلّ (۹۵۸) آن که عزیز است بیخواری، آن که اوست گرمی بدون خواری ؛	
اقتدار حشمت و شوکت بدون عوارض	
۷۳۹- من هو غنیّ بلا فقر (۱۵۷۴) آن که توانگر است و فقر ندارد، آن که اوست توانگر بدون فقر ؛ زوال نداری و ابقای دارایی	
۷۴۰- من هو ملک بلا عزل (۳۳۱) آن که سلطان عزل ناپذیر است، آن که اوست پادشاه بدون برکنار شدن؛ ثابت بودن نفس	
۷۴۱- من هو موصوف بلا شبیه (۶۷۳) آن که موصوف بدون مانند است، آن که اوست وصف شده بدون مانند؛ توحید صفات	
۷۴۲- من ذکره شرف للذاکرین (۲۶۳۶) آن که ذکرش شرف است برای ذاکران (ذکرش شرف ذاکران است)؛	
ارتقای ذاکر حق	
۷۴۳- من شکره فوز للشّاکرین (۱۳۴۹) آن که شکرش کامیابی شاکران است؛ شکر گزاری کامل، توفیق در شکر	
۷۴۴- من حمده عزّ للحامدین (۳۹۷) آن که حمدش عزّت حمدگویان است، آنکه ستایشش عزّت برای ستایش کنندگان	
است؛ فراهم شدن اسباب جهت عزّت	
۷۴۵- من طاعته نجاه للمطیعین (۸۸۳) آن که طاعتش نجات مطیعان است، آن که فرمانبریش رهایی از آتش است برای فرمانبرداران ؛	
توفیق طاعات، جهت مطیع کردن	
۷۴۶- من بابه مفتوح للطالبین (۷۸۶) آن که درگاهش (درش) باز است برای جویندگان؛ فتح برای سالکان مبتدی	
۷۴۷- من سبيله واضحّ للمنیبین (۱۲۳۴) آن که راهش باز است برای توبه کاران، ای آن که راهش آشکار است برای	
بازآیندگان ؛ باز شدن راه های بسته	
۷۴۸- من آیاته برهان للتّاظرین (۲۰۳۶) آن که نشانههای او برهان است برای بینندگان، آن که نشانههایش دلیل آشکار است برای بینندگان؛تقویّت عقل و دل، رفع	
وسوسه	
۷۴۹- من کتابه تذکرة للمتقین (۲۵۰۳) آن که کتابش یادآور پرهیزکاران است، آن که کتابش یادآوری است برای	
پرهیزکاران ؛ انس با قرآن	
۷۵۰- من رزقه عموم لطّاعین و العاصین(۱۰۱۷) آن که روزیش شامل فرمانبران و گناهکاران است، آن که روزیش همگانی است برای فرمانبران و گنهکاران؛توحید	
عام، رزق عام	

۷۵۱-	من رحمته قریب من المحسنین (۱۳۹۴)	آن که مهرش پیرامون نیکوکاران است، آن که رحمتش نزدیک است به نیکوکاران؛	ازدیاد کارهای خیر و نیک
۷۵۲-	من تبارک اسمہ (۸۱۹)	آن که مبارک است نامش ؛	تطابق اسم با مسمّی
۷۵۳-	من تعالی جدّه (۶۱۳)	آن که بلند است اقبالش، آن که بلند مرتبه است شأنش ؛	روی آوردن اقبال و شانس و بخت
۷۵۴-	من لا اله غیره (۱۳۷۲)	آن که نیست معبود به حقّ جز او، آن که نیست معبودی جز او ؛	توحید
۷۵۵-	من جلّ ثنائہ (۶۸۰)	آن که والاست ستایشش، آن که برتر است مدحش؛	حمد و ثنای مطلوب
۷۵۶-	من تقدست اسمائہ (۱۱۶۲)	آن که مقدس است نامهایش، آن که پاکیزه است نامهایش؛	مظهریت اسماء جمالی
۷۵۷-	من یدوم بقائه (۲۵۹)	آن که همیشه میماند، آن که جاویدان است ماندگاریش؛	دوام و بقا
۷۵۸-	من العظمۃ بهائہ (۱۱۵۰)	آن که بزرگواری جلوه ی اوست، آن که بزرگی شکوه او است؛	قابلیت برای تجلیات
۷۵۹-	من الکبریاء ردائه (۵۶۵)	آن که لباس کبریایی در بر دارد، آن که بزرگ منشی لباس اوست؛	
۷۶۰-	من لا تحصی الائه (۶۶۷)	آن که شمرده شود مهربانیش، آن که به شمارش نیاید نعمتهای باطنی او ؛	عزّت و عظمت یافتن، بزرگی و هیبت و شکوه
۷۶۱-	من لا تعد نعمائہ (۷۶۲)	آن که آمارنگردد نعمتهایش، آن که شمرده نشود نعمتهای ظاهری او؛	ازدیاد توفیقات باطنی و معنوی
۷۶۲-	معین (۱۷۰)	کمک کار، یاری کننده؛	طلب مدد در کارهای مهم، مدد کار یافتن در بی کسی
۷۶۳-	امین (۱۰۱)	استوار، راز نگهدارنده، امانت دار؛	برای حفظ امانات مالی و فروج و عورات
۷۶۴-	مبین (۱۰۲)	آشکار کن، بزرگی و روشنی، آشکار کننده؛	احقاق حق
۷۶۵-	متین (۵۰۰)	استوار و نیرومند، استوار؛	یقین، نجات زندانی، ازدیاد شیر
۷۶۶-	مکین (۱۲۰)	پا برجا، توانا و پا بر جا، با منزلت، با مکنّت؛	استقامت و عدم تزلزل
۷۶۷-	رشید (۵۱۴)	راهنمای پاینده، راهنما؛	فتح، معلوم شدن سرانجام کار، ارشاد گمشدگان طریق
۷۶۸-	حمید (۶۲)	ستوده، پسندیده؛	برطرف کردن اخلاق ذمیمه، کسب اخلاق حمیده، معزّز شدن نزد خلاق،
۷۶۹-	مجید (۵۷)	بزرگوار، پرآوازه؛	شفای دردها، نورانیت دل، رفع قبض، ترقّی در سیر و سلوک
۷۷۰-	شدید (۳۱۸)	محکم، نیرومند، دلیر و نیرومند؛	نابودی دشمن
۷۷۱-	شهید (۳۱۹)	گواه، گواه و بیننده؛	اطّلاع بر امور غیبی، سعادت و صلاح
۷۷۲-	ذالعرش المجید (۱۳۸۹)	صاحب عرش بزرگ، دارای عرش بزرگوار ؛	بلندی و رفعت
۷۷۳-	ذالقول السّدید (۹۷۶)	صاحب گفته درست، دارای گفتار محکم ؛	نطق صواب
۷۷۴-	ذالفعّل الرشید (۱۴۵۶)	صاحب کار برآورنده، دارای کردار صحیح ؛	توفیق افعال صواب
۷۷۵-	ذالبطش الشّدید (۱۳۹۱)	صاحب خشم سخت، صاحب حمله سخت ؛	دلیری و غالب شدن بر دشمن
۷۷۶-	ذالوعد و الوعد (۹۳۸)	صاحب وعده و تهدید، دارای مژده و تهدید ؛	باور، راستی در وعده
۷۷۷-	من هو الولیّ الحمید (۲۷۱)	آن که او ولی و حمید است، آن که اوست سرپرست ستوده، آن که اوست سرپرست	پسندیده؛ به دست آوردن سرپرست
۷۷۸-	من هو فعّال لما یرید (۵۷۷)	آن که او به خوبی بکند هر چه خواهد، آن که اوست کوشا به آنچه اراده کند ؛	توحید افعالی، تفویض امور
۷۷۹-	من هو قریب غیر بعید (۱۷۰۹)	آن که نزدیک است و دوری ناپذیر، آن که اوست نزدیک نزدیک؛	
۷۸۰-	من هو علی کلّ شیء شهید (۸۹۰)	آن که او بر هر چیز گواه است ؛	مراقبه، پیدا شدن گمشده
۷۸۱-	من هو لیس بظلام للعبید (۱۳۲۰)	آن که او نیست ستم کننده بر بندگان؛	
۷۸۲-	من لا شریک له و لا وزیر (۹۴۶)	آن که شریک و وزیر ندارد، آن که نیست همتایی برای او و نه دستور دهندهای؛	دفع افکار ناپسند، خوش بینی به حق، اصلاح اعتقادات
۷۸۳-	من لا شبیه له و لا نظیر (۱۶۷۰)	آن که نیست همانندی برای او و نه ماندی، آن که مانند و شبیه و نظیر ندارد؛	توحید خاص، دفع شرک
۷۸۴-	خالق الشّمس و القمر المنیر (۱۸۷۰)	آفریننده ی خورشید و ماه تابان؛	ظهور اسماء جمالی حق
۷۸۵-	مغنی البائس الفقیر (۱۶۱۶)	توانگر کننده مستمند بیچیز، توانگر کننده ی مستمند ندار، توانگر کننده ی بینوا	توحید در آفاق، تصرّف به اشیاء، خلق و اختراع در امور دقیق
۷۸۶-	رازق الطّفل الصّغیر (۱۷۸۹)	روزی دهنده ی کودک شیرخوار، روزی دهنده ی کودک و خردسال؛	کفایت رزق فرزندان
۷۸۷-	راحم الشّیخ الکبیر (۱۴۵۴)	مهربان بر پیرمرد کهنسال، رحم کننده ی پیرمرد کهنسال؛	تقویت روحیه پیرمردان، نزول رحمت بر قلب سالخوردگان
۷۸۸-	جابر العظم الکسیر (۱۵۶۸)	بست و بند کننده ی استخوان شکسته، پیوند دهنده ی استخوان شکسته؛	مداوا و جبران گذشته، پیوند شکستگی ها، گشایش در کار بسته
۷۸۹-	عصمة الخائف المستجیر (۱۶۶۲)	نگهدار ترسان پناهنده (پناه جو)، نگهدارنده ی هراسان زنهار خواهنده؛	ادامه کار بدون خوف، حفظ و نگهداری اسیران، حفظ نفس از گناه
۷۹۰-	من هو بعباده خبیر بصیر (۱۲۹۹)	آن که به بندگانش آگاه و بیناست؛	مکاشفات، آگاهی از علوم خفایا و منایا، علم ضمیر
۷۹۱-	من هو علی کلّ شیء قدیر (۷۷۷)	آن که او بر هر چیز تواناست؛	قدرت
۷۹۲-	ذالجود و النّعم (۹۴۱)	صاحب جود و نعمت، دارای بخشش و نعمت ها؛	احسان خاص
۷۹۳-	ذالفضل و الکرم (۱۹۳۸)	صاحب فضل و کرامت، دارای افزون بخشی و جوانمردی ؛	جلب تفضّلات مادّی و معنوی

۷۹۴-	خالق اللوح و القلم(۱۰۱۳)	آفریننده ی دفتر قلم، آفریننده ی لوح و قلم؛ کتابت و نویسندگی
۷۹۵-	بارئ الذرّ و التّسم(۱۳۳۱)	بوجود آورنده ی اجسام ریز و آدمیان، پدیدار کننده ی مورچه و بشر؛
		تولید مثل انسان و حیوانات، فرزند دار شدن
۷۹۶-	ذالبأس و النقم (۱۰۲۲)	صاحب حدّت (شدت) و نqمت، دارای سختی و انتقام ها؛ دفع دشمن و سختی
۷۹۷-	ملهم العرب و العجم(۵۶۸)	الهام بخش عرب و عجم، الهام کننده ی عرب و غیر عرب؛ الهامات
۷۹۸-	کاشف الضرّ و الالم(۱۵۴۰)	برطرف کننده ی ضرر و درد، برطرف کننده ی زیان و درد؛
		برطرف شدن مریضی و درد، برطرف نمودن زیان وارد شده
۷۹۹-	عالم السرّ و الهمم (۵۵۴)	دانای راز و نهان، دانای راز و توجهات قلبی، دانای رازها و نهادهای نهفته؛
		باخبر شدن از قلب ها، علم و آگاهی بر مخفیات، علم ضمیر
۸۰۰-	ربّ البيت و الحرم(۹۳۰)	پروردگار کعبه و حرم؛ توفیق زیارت خانه خدا
۸۰۱-	خلق الاشياء من العدم(۱۳۹۸)	آن که آفرید هر چیز را از عدم، آن که آفرید چیزها را از نیستی؛ شروع کارهای نو
۸۰۲-	فاعل (۱۸۱)	کننده و انجام دهنده؛ قوی شدن اراده
۸۰۳-	جاعل (۱۰۴)	نهنده، قرار دهنده؛ نقشه ریزی
۸۰۴-	قابل (۱۳۳)	پذیرنده، روی آورده؛ پذیرش، آماده کردن کارها، زمینه سازی
۸۰۵-	کامل (۹۱)	کامل، بیعیب و نقصان، تمام و بینقصان؛
		درست انجام شدن کارهای مادی، برطرف شدن لغزش های عقل
۸۰۶-	فاصل (۲۰۱)	جدا کننده و برّنده، از هم جدا کننده؛ فاصله گرفتن افراد ناباب، تمییز خوب و بد
۸۰۷-	واصل (۱۲۷)	به هم پیوند، رسیده، پیوند دهنده؛وصول به محبوب، پیوند به مقاصد عظیم
۸۰۸-	عادل (۱۰۵)	دادگر؛ تعدیل در کارها
۸۰۹-	غالب (۱۰۳۳)	پیروز، چیره شونده و پیشی گرفته؛ پیروزی و تفوق
۸۱۰-	طالب (۴۲)	خواستار، جوینده و خواهان؛ تعلیم و تعلّم دانش خواه برای کسی که اول سلوک وی است
۸۱۱-	واهب (۱۴)	بخشنده و عطا کننده؛ ثروت و روزی، جلب منفعت
۸۱۲-	من انعم بطوله (۳۰۳)	آن که نعمت بخشد به فضل خود، آن که نعمت دهد به فراوانی؛ در حیطة فضل قرار گرفتن
۸۱۳-	من اكرم بجوده (۳۷۱)	آن که کرم کند به جود خود، آن که احسان کند به بخشش؛
		متّصف به اسماء جمالی، برای توسعه در امر معیشت
۸۱۴-	من جاد بلطفه (۲۲۴)	آن که جود کند به لطف خود، آن که بخشش کند با نیکویی اش؛ جذب عنایات خاص
۸۱۵-	من تعزّر بقدرته (۱۲۸۵)	آن که عزیز باشد به نیروی خود، آن که سرافراز کند با توانایی اش؛ از دست ندادن شرافت
۸۱۶-	من قدّر بحکمته (۸۶۹)	آن که اندازه گیرد به حکمت خود، آن که اندازه دهد با حکمتش؛ تبیین و تقدیر معقولانه
۸۱۷-	من حکم بتدبیره (۷۸۱)	آن که حکم کند به تدبیر خود، آن که داوری و حکومت کند با عاقبت اندیشی؛
		مدیریت ممدوح و با کفایت
۸۱۸-	من دبّر بعلمه (۴۴۳)	آن که تدبیر کند به دانش خود، آن که عاقبت اندیشی کند با دانشش؛ حصول نتایج علمی
۸۱۹-	من تجاوز بحلمه (۵۹۲)	آن که درگذرد به بردباری خود؛ علم ورزیدن
۸۲۰-	من دنی فی علوّه (۳۵۵)	آن که نزدیک است در برتری، آن که نزدیک است در عین بلند مرتبگیاش؛
		ترقّی زود هنگام، رشد سریع
۸۲۱-	من علا فی دنوه (۳۴۶)	آن که برتر است در عین نزدیکی، آن که بلند مرتبه است در عین نزدیکی اش؛
		ترقّی در قرب معنوی
۸۲۲-	من یخلق ما یشاء (۱۱۸۲)	آن که بیافریند هرچه خواهد، آن که میآفریند آنچه را بخواهد؛ شروع در درست نمودن کارها
۸۲۳-	من یفعل ما یشاء(۶۳۲)آن که بکند هرچه بخواهد، آن که انجام دهد آنچه را بخواهد؛ صحیح انجام دادن امور	
۸۲۴-	من ینهی من یشاء(۵۲۰)	آن که رهبری کند هر که را خواهد، آن که هدایت کند آنچه را بخواهد؛ هدایت مطلقه
۸۲۵-	من یضلّ من یشاء (۱۳۳۱)	آن که گمراه گذارد هر که را خواهد، آن که گمراه کند هر که را بخواهد؛
		دفع شیطان صفتان
۸۲۶-	من یعذبّ من یشاء (۱۲۷۳)	آن که کیفر دهد هر که را خواهد، آن که شکنجه کند هر که را خواهد؛ کیفر دشمن
۸۲۷-	من یغفر لمن یشاء (۱۸۱۱)	آن که بیامرزد هر که را خواهد؛ آمرزش گناهان
۸۲۸-	من یعزّ من یشاء (۱۲۳۱)	آن که عزیز کند هر که را خواهد؛ عزّت و رفعت
۸۲۹-	من یدلّ من یشاء (۱۲۳۱)	آن که ذلیل کند هر که را خواهد، آن که خوار کند هر که را خواهد؛ سرکوب کردن خصم
۸۳۰-	من یصوّر فی الارحام ما یشاء(۱۱۱۹)آن که صورت کشد در رحم ها هر چه را خواهد، آن که نقش بندد در رحم ها	
		آنچه را خواهد؛ طلب اولاد شایسته و زیبا
۸۳۱-	من یختصّ برحمته من یشاء (۲۲۴۶)	آن که مخصوص به رحمت خود کند هر که را خواهد، آن که اختصاص دهد رحمت خود را به هر که خواهد، آن که ویژه کند با رحمتش هر که را بخواهد؛ قابلیت
۸۳۲-	من لم یتخذ صاحبة و لا ولداً (۲۰۵۴)	آن که همسر نگیرد و فرزند نپذیرد، آن که نگرفته همدمی و نه فرزندی؛
		دفع همنشین گمراه
۸۳۳-	من جعل لكلّ شیء قدراً (۸۸۸)	آن که مقرّر ساخته برای هر چیز اندازه، آن که قرار داده بر هر چیزی اندازه‌های؛ محاسبه، علم ریاضی، تعدیل اندیشه و تدبیر در امور
۸۳۴-	من لا شریک فی حکمه احداً(۸۲۸)	آن که شریک نکرده در حکم خود احدی را، آن که انبازی نگرفته در حکومتش کسی را؛ صواب در نظر و قضاوت
۸۳۵-	من جعل الملائكة رسلا (۶۱۲)	آن که فرشتگان را رسول کرده، آن که قرار داد فرشتگان را پیام آوران؛ ارتباط با ملائکه

۸۳۶-	من جعل فی السماء بروجاً (۶۲۷)	آن که نهاده است در آسمان برج ها، آن که قرار داد در آسمان دیده بانیهایی؛ توحید افعالی
۸۳۷-	من جعل الارض قراراً (۱۷۲۷)	آن که گردانیده زمین را پایگاه، آن که قرار داد زمین را جای آسایش؛ آرامش دل، طلب زمین پاک
۸۳۸-	من خلق من الماء بشراً (۱۴۸۵)	آن که آفریده از آب بشر؛ تشکیل نطفه صالح، توحید افعالی
۸۳۹-	من جعل لكل شیء امداً (۶۲۹)	آن که قرار داده برای هر چیزی مدتی؛ پایان رساندن زمان ها به عافیت
۸۴۰-	من احاط بكل شیء علماً (۶۱۲)	آن که فرا گرفته هر چیز را علمش؛ علم و دانایی
۸۴۱-	من احصى كل شیء عدداً (۶۳۸)	آن که شمرده عدد هر چیز را؛ حسابرسی صحیح، تدبیر امور و چاره سازی صحیح
۸۴۲-	اَوَّل (۳۷)	نخست، آغاز؛ یمن و برکت برای شروع کارها، جهت باز آمدن غایب، طلب فرزند
۸۴۳-	آخر (۸۰۱)	پس از پایان همه خلق است؛ حسن عاقبت، دوام کارها به سعادت، صفای باطن، خوش دلی
۸۴۴-	ظاهر (۱۱۰۶)	نمایان و آشکار، پیدا؛ عدم کوری، ظهور گمشده، پیدا شدن مخفیّات
۸۴۵-	باطن (۶۲)	اندرون هر چیز، پنهان؛ اطلاع بر اسرار مکنونه، ایمنی از ضلالت، حفظ امانت، نورانیّت دل
۸۴۶-	برّ (۲۰۲)	نیکوکار، نیکی؛ سالم بودن فرزند از آفت، کرامت، رسیدن به مطلوب
۸۴۷-	حقّ (۱۰۸)	درست، راستی، راست و درست و سزاوار؛ احقاق حق، خلاصی از طلبکار، پیدا شدن گم شده، نورانیّت دل، صفای باطن، ردّ غایب
۸۴۸-	فرد (۲۸۴)	تنها، یکتا، تک؛ خلاصی از کثرت، انقطاع الی الله
۸۴۹-	وتر (۶۰۶)	یگانه، یکتا و تنها و طاق؛ تجرّد، انقطاع از خلق
۸۵۰-	صمد (۱۳۴)	بینیاز، سرور بینیاز؛ غنا، استغناء، رجوع خلق به ذکر، یقین به صدق
۸۵۱-	سرمد (۳۰۴)	همیشه و پیوسته، همیشه جاوید، ابد؛ ابقای روح در مقام رحمانی
۸۵۲-	خیر معروف عرف(۱۵۵۶)	بهترین شناخته شدهها، بهترین شناخته شده به خوبی که شناخته شده؛ ازدیاد معرفت به معبود
۸۵۳-	افضل معبود عبد (۱۱۰۹)	برتر پرستیده شده ها، برترین عبادت شده که عبادت شده؛ عبودیت
۸۵۴-	اجلّ مشکور شکر (۱۱۲۰)	والا تر شکرگزاری شدگان، والاترین سپاس شونده ای که سپاس شده؛ تقویت حمد و شکر گزاری، ازدیاد نعمت
۸۵۵-	اعزّ مذکور ذکر (۱۹۶۴)	عزیزترین یاد شده ها، گرامیترین یاد شدهای که یاد شده؛ شهرت با عزّت
۸۵۶-	اعلی محمود حمد (۲۶۱)	بلندترین ستوده ها، بالاترین ستوده های که ستوده شده؛ تجلیه صفات، مقام آور
۸۵۷-	ا قدم موجود طلب (۲۴۵)	قدیمی ترین موجودی که مطلوب است، قدیمی ترین موجودی که خواسته شده؛ برای طلب و رسیدن به مقصود
۸۵۸-	ارفع موصوف وصف (۷۴۹)	برتر و ستایش شده، والاترین وصف شدهای که وصف شده؛ توحید صفاتی، آرایش واقعی فضایل
۸۵۹-	اکبر مقصود قصد (۶۵۷)	بزرگتر مقصود قصد شده، بزرگترین مقصودی که قصد شده؛ برآوردن حاجات مهم
۸۶۰-	اکرم مسئؤل سئل (۴۸۹)	کریمتر درخواست شده، گرامیترین سؤال شده ای که سؤال شده؛ درستی درخواست سائل
۸۶۱-	اشرف محبوب علم (۷۷۹)	شریفتر محبوبی که دانسته شده، شریفترین محبوبی که شناخته شده؛ رسیدن عالمانه به معشوق و معبود
۸۶۲-	حبیب الباکین (۱۳۶)	دوست گریه کنندگان؛ ازدیاد بکاء (گریه و اشک)
۸۶۳-	سید المتوکلین (۶۶۱)	آقای متوکلان، آقای توکل کنندگان؛ اعتماد و تکیه بر حق
۸۶۴-	هادی المضلّین (۹۸۱)	رهنمای گمراهان؛ هدایت افراد گمراه، در راه راست قرار گرفتن
۸۶۵-	ولی المؤمنین (۲۷۳)	سرپرست مؤمنان؛ ولایت مطلقه
۸۶۶-	انیس الذاکرین (۱۱۳۳)	انیس ذاکران، همدم یاد کنندگان؛ کثرت انس به ذکر
۸۶۷-	مفزع الملهوفین (۴۴۹)	پناه دلسوختگان؛ قوّت قلب مادران فرزند مرده و افراد برادر مرده
۸۶۸-	منجی الصادقین (۳۸۹)	نجات بخش راستگویان، نجات دهنده ی راستگویان؛ نجات با صداقت
۸۶۹-	ا قدر القادرین (۷۰۱)	تواناتر توانایان، تواناترین قدرتمندان؛ امداد از قدرت حق در کارها
۸۷۰-	اعلم العالمین (۳۷۳)	داناتر دانایان، داناترین دانایان؛ ازدیاد دانش
۸۷۱-	اله الخلق اجمعین (۹۷۱)	معبود خلق همه، معبود آفریدگان؛ توحید عام
۸۷۲-	من علا فقهر (۵۷۶)	آن که بالاست و تسلط دارد، آن که سربلند شد پس غالب گشت؛ علوّ بدون سقوط
۸۷۳-	من ملک فقدر (۵۶۴)	آن که مالک است و توانایی دارد، آن که مالک شد پس توانا گشت؛ تملیک و تسلّط بر مال و اهل خود
۸۷۴-	من بطن فخر (۱۰۳۳)	آن که نهان است و آگاهی دارد، آن که نهان شد پس آگاه گشت؛ علم پنهانی و غیب، آگاهی بر ضمائر
۸۷۵-	من عبد فشکر (۷۶۶)	آن که پرستیده شود و تقدیر کند، آن که پرستیده شد پس سپاسگزار گشت؛ عبودیت خاصّه
۸۷۶-	من عصی فغفر (۱۶۲۰)	آن که نافرمانی شود و بیامرزد، آن که نافرمانی شد پس آمرزید؛ بخشش، درخواست غفران، اعمال قبول
۸۷۷-	من لا تحویه الفكر (۸۸۱)	آن که جا نگیرد در اندیشهها، آن که در بر نگیرد او را اندیشه؛ توحید افعالی
۸۷۸-	من لا یدرکه بصر (۶۵۲)	آن که نیابد او را دیده ها، آنکه درک نکند او را دیده ای؛ توحید صفات
۸۷۹-	من لا یخفی علیه اثر (۱۶۳۷)	آن که پوشیده نماند بر او اثر، آن که پوشیده نماند بر او نشانهای؛ دفع شرک خفی
۸۸۰-	رازق البشر (۸۴۱)	روزی دهندهی بشر؛ رزق عامّه

۸۸۱- مقدّر کل قدر	(۶۹۰)	اندازه گیرندهی هر اندازه، اندازه دهنده هر اندازه؛
۸۸۲- حافظ	(۹۸۹)	نگاهدارنده؛ حفظ خود و اهل از خطرها
۸۸۳- باریء	(۲۱۳)	آفریننده؛خلاصی از تنهایی، طلب فرزند، متقاد شدن خلق، طلب مربّی
۸۸۴- ذاریء	(۹۱۱)	پدید آرنده، آفریدگار و افزون کننده؛ ردّ غایب
۸۸۵- بادخ	(۱۳۰۳)	بلند مقام؛ ترفیع مقام دنیوی
۸۸۶- فارج	(۲۸۴)	گشایش بخش، باز کنندهی روزی؛ گشایش در رزق، گشودن بخت و اقبال،
۸۸۷- فاتح	(۴۸۹)	گشاینده؛ مفتوح شدن کارهای مقلق، رفع حجب قلبی، باز شدن رزق مادی
۸۸۸- کاشف	(۴۰۱)	گشاینده، آشکار و هویدا کننده؛ کشف سیرت، هویدا شدن اموری که پنهان میکنند
۸۸۹- ضامن	(۸۹۱)	عهده دار و ملتزم؛ تضمین کارها به صواب
۸۹۰- امر	(۲۴۱)	فرمانده، دستور دهنده؛ تقویت نفس رحمانی
۸۹۱- ناهی	(۶۶)	قدغن کننده، نهی کننده؛ تضعیف نفس شیطانی، بی رغبتی به محرّمات، دفع ضرر
۸۹۲- من لا يعلم الغیب الاّ هو	(۱۳۵۷)	آن که جز او غیب نداند، آن که نمیداند نهان را جز او؛ علم به امور غیبی
۸۹۳- من لا یصرف السّوء الاّ هو	(۶۴۱)	آن که برنگرداند پیشامد بد را جز او، آن که بر نمیگرداند بدی را جز او؛ دفع سوء همسایه و قرین، دفع سوء ظن
۸۹۴- من لا یخلق الخلق الاّ هو	(۱۶۶۵)	آن که نیافریند آفریده را جز او؛ ایجاد و اختراع، ابداع
۸۹۵- من لا یغفر الذّنّب الاّ هو	(۲۲۳۷)	آن که نیامرزد گناه را جز او؛ آمرزش خواهی و طلب عفو
۸۹۶- من لا یتّمّ النّعمة الاّ هو	(۸۱۰)	آن که تمام نکند نعمت را جز او؛ عدم زوال نعمت
۸۹۷- من لا یقلّب القلوب الاّ هو	(۴۷۵)	آن که زیر و رو نکند دل ها را جز او، آن که دگرگون نکند دل ها را جز او؛ تقویت قلب، انقلاب درونی، رفع افسردگی
۸۹۸- من لا یدبّر الامر الاّ هو	(۶۵۳)	آن که تدبیر کارها نکند جز او، آن که نمیکند کار را جز او؛ تدبیر و مدیریت خاصّه، تدبیر در امور
۸۹۹- من لا ینزّل الغیث الاّ هو	(۱۸۰۲)	آن که نباراند باران را جز او، آنکه نمیفرستد باران را جز او؛ طلب باران و نزول رحمت عامّه
۹۰۰- من لا یبسط الرّزق الاّ هو	(۵۸۳)	آن که وسعت ندهد روزی را جز او، آن که نمیگستراند روزی را جز او؛ گشایش رزق خود و خانواده
۹۰۱- من لا یحیی الموتی الاّ هو	(۶۸۹)	آن که زنده نکند مرده ها را جز او، آن که زنده نمیکند مرده را جز او؛ حیات مادی و معنوی
۹۰۲- معین الضّعفاء	(۱۱۵۲)	کمک ناتوان ها، یاور ضعیفان؛ قوّت قلب افراد ندار، دفع مذلّت و خواری
۹۰۳- صاحب الغرباء	(۱۳۳۵)	یاور غریبان، همنشین غریبان؛ امداد روحی برای افراد غریب و تنها، رفع بی کسی، ازدیاد رفیق
۹۰۴- ناصر الاولیاء	(۴۲۰)	یار دوستان، یاری دهنده ی دوستان؛ کمک از دوستان
۹۰۵- قاهر الاعداء	(۴۱۳)	چیره بر دشمنان، غلبه کننده ی بر دشمنان؛ غلبه بر دشمن
۹۰۶- رافع السّماء	(۴۸۳)	فرازنده آسمان ها؛ ترقّی در سلوک
۹۰۷- انیس الاصفیاء	(۳۳۴)	انیس برگزیدگان، همدم برگزیدگان؛ همنشینی با افراد شایسته
۹۰۸- حبیب الاتقیاء	(۵۶۵)	دوست پرهیزکاران؛ حبّ تقوی
۹۰۹- کنز الفقراء	(۴۸۹)	گنج فقیران، گنج تهیدستان؛ ازدیاد رزق مستمندان
۹۱۰- اله الاغنیاء	(۱۱۲۹)	معبود توانگران؛ ثروت خاصّ
۹۱۱- اکرم الکرماء	(۵۵۳)	کریمتر کریمان، کریم ترین بخشنندگان؛ در پوشش الطاف کریمانه حق قرار گرفتن
۹۱۲- کافیاً من کلّ شیء	(۵۶۲)	کافی بر هر چیز، بسنده از هر چیزی؛ کفایت امور
۹۱۳- قائماً علی کلّ شیء	(۶۱۳)	پاینده بر هر چیز؛ استواری در زندگی
۹۱۴- من لا یشبهه شیء	(۷۵۳)	آن که مانند چیزی نیست، آن که همانند نیست او را چیزی؛ توحید صفاتی
۹۱۵- من لا یزید فی ملکه شیء	(۶۴۷)	آن که نیفزاید در ملکش چیزی، آن که زیاد نمیشود فرمانروایش چیزی؛ علم به غیب
۹۱۶- من لا یشفی علیه شیء	(۱۲۴۶)	آن که پوشیده نیست بر او چیزی، آن که مخفی نماند بر او چیزی؛ علم به اسرار، علم ضمیر
۹۱۷- من لا ینقص من خزائنه شیء	(۱۴۳۵)	آن که کم نشود از خزینه هایش چیزی، آن که نمیکاهد از گنجهایش چیزی؛ برکت در مال
۹۱۸- من لیس کمثله شیء	(۱۰۹۵)	آن که نیست به مانندش چیزی، آن که نیست همانندش چیزی، توحید صفاتی
۹۱۹- من لا یعزب عن علمه شیء	(۷۸۵)	آن که به در نرود از محیط دانشش چیزی، آن که به دور نیست از دانشش چیزی؛ علم به غیب
۹۲۰- من هو خبیر بکلّ شیء	(۱۲۷۵)	آن که او آگاه است بر هر چیزی، آن که اوست آگاه به همه چیز؛ علم به معادن، علم به خواص مواد
۹۲۱- من وسعت رحمته کلّ شیء	(۱۶۳۹)	آن که فرا گیرد رحمتش بر هر چیزی؛ سلامتی و عافیت عامّه
۹۲۲- مکرم	(۳۰۰)	گرامیدار، بخشنده، گرامی دارنده؛ احترام و عزّت بین خلق
۹۲۳- مطعم	(۱۵۹)	اطعام کن، اطعام کننده، سیر کننده؛ برکت در تقدیر
۹۲۴- منعم	(۲۰۰)	نعمت بخش، نعمت دهنده؛ ازدیاد نعمت

۹۲۵- معطی	(۱۲۹)	دهنده، عطا بخش؛	رفع احتیاج، بی نیازی از خلق
۹۲۶- مغنی	(۱۱۰۰)	بینیاز کن، توانگر کننده، بینیاز کننده؛	توانگری، کفایت معاش، بی نیاز از خلق
۹۲۷- مقنی	(۲۰۰)	ذخیره گذار، خشنود کننده، هموار کننده؛	
دست یابی و سهولت به آن چه هست، ترغیب به افعال ممدوح			
۹۲۸- مغنی	(۱۸۰)	فنا کننده، نابود کننده، نیست کننده؛	دفع رذایل، رسیدن به فنا
۹۲۹- محیی	(۶۸)	زنده کن، زنده کننده؛	زنده شدن دل به معرفت، ایمنی از آفات
۹۳۰- مرضی	(۱۰۵۰)	بیمار کن، بیمار کننده، خشنود کننده؛	شفای مریض
۹۳۱- منجی	(۱۰۳)	نجات بخش، رهایی دهنده؛	رهایی از زندان و اسارت
۹۳۲- اوّل کلّ شیء و اخره (۱۲۰۹)	اول هر چیز و آخرش، آغاز هر چیزی و انجام آن؛		
طی طریق با عافیت، شروع اختتام به صواب			
۹۳۳- اله کلّ شیء و ملیکه (۵۰۷)	معبود هر چیزی و دارندهاش، معبود هر چیزی و خداوند آن؛		
رهبری عامّه، تملیک موجودی			
۹۳۴- رب کلّ شیء و صانع(۷۸۴)	پرورنده ی هر چیز و سازندهی آن؛		
۹۳۵- باریء کلّ شیء و خالق(۱۳۰۶)	برآرندهی هر چیز و آفرینندهاش پدید آورنده ی هر چیزی و آفریننده آن؛		
ایجاد و ابداع			
۹۳۶- قابض کلّ شیء و باسطه(۱۳۴۶)	گیرنده هر چیز و گشایندهاش؛		
۹۳۷- مبدیء کلّ شیء و معیده(۵۴۲)	آغاز کنندهی هر چیز و بازگرداندنداش؛ شروع کار و اتمام آن به صواب		
۹۳۸- منشیء کلّ شیء و مقدّره(۱۱۰۶)	پایدار کنندهی هر چیز و اندازه گیرش ایجاد کنندهی هر چیزی و اندازه دهندهی آن؛		
ساختمان و کارخانه به حدّ خاص			
۹۳۹- مکون کلّ شیء و محوّله(۵۷۱)	بود کننده ی هر چیز و تبدیل کنندهی آن (جنباننده اش) هستی بخش هر چیزی و گرداننده ی آن؛		
انقلاب درونی			
۹۴۰- محیی کلّ شیء و ممیته(۹۲۹)	زنده کنندهی هر چیزی و میرانندهی آن؛ بقاء و فنا، بهره مندی از فصول		
۹۴۱- خالق کلّ شیء و وارثه (۱۸۰۹)	آفریننده هر چیز و وارث آن، آفریننده هر چیزی و ارث برندهی آن؛		
بقای اولاد، طلب فرزند			
۹۴۲- خیر ذاکر و مذکور (۲۷۰۳)	بهترین یادآور یاد شده، بهترین یاد کننده و یاد شونده؛		
۹۴۳- خیر شاکر و مشکور (۱۹۰۳)	بهترین سپاسگزار و سپاس شده، بهترین سپاسگزار و سپاسگزاری شده؛		
توجّه سپاسگزار به خداوند، ازدیاد نعمت			
۹۴۴- خیر حامد و محمود (۹۶۷)	بهترین ستاینده و ستوده شده؛		
۹۴۵- خیر شاهد و مشهود (۱۴۸۱)	بهترین گواه گواهی شده؛		
۹۴۶- خیر داع و مدعوّ (۱۰۱۱)	بهترین خواهان و خوانده شده، بهترین دعوت کننده و دعوت شده؛		
اصرار در دعا، خلوص در ادعیه، دعوی های به جا			
۹۴۷- خیر مجیب و مجاب (۹۱۷)	بهترین اجابت کننده و اجابت شده، بهترین اجابت کننده و اجابت شده؛		
۹۴۸- خیر مونس و انیس (۱۰۹۳)	بهترین مونس و انیس، بهترین همدم و دلارام؛ انس به حق		
۹۴۹- خیر صاحب و جلیس (۱۰۲۰)	صاحب مصاحب و همنشین، بهترین رفیق و همنشین؛ همنشین ممتاز		
۹۵۰- خیر مقصود و مطلوب (۱۱۴۳)	بهترین مقصود و مطلوب، بهترین خواسته شده و جسته شده؛		
رسیدن به مقصود و حاجت، قبولی دعوات			
۹۵۱- خیر حبیب و محبوب (۸۹۶)	بهترین دوست و محبوب، بهترین دوست و دوست داشته شده؛		
۹۵۲- من هو لمن دعاه مجیب (۳۵۶)	آن که برای خوانندهی خویش اجابت کند (دعا کننده خود) آن که برای کسی که او را میخواند اجابت کننده است؛		
۹۵۳- من هو لمن اطاعه حبیب (۳۲۹)	آن که برای فرمانبردارش دوست است، آن که اوست بدان که پیروی کند او را دوست؛		
۹۵۴- من هو الی من احبّه قریب (۵۶۰)	آن که به دوستدار خود نزدیک است ، آن که او برای هر دوستش دارد نزدیک است؛		
۹۵۵- من هو بمن استحفظه رقیب (۱۹۵۹)	آن که به نگهبانی خواه خود نگهبان است، آن که برای هر که نگهدارش خواند دیده بان است ؛		
۹۵۶- من هو بمن رجاه کریم (۶۷۲)	آن که به امیدوار خویش کریم است، آن که اوست بدان که امیدوار باشد به او بخشنده؛		
۹۵۷- من هو بمن عصاه حلیم (۴۴۷)	آن که نسبت به نافرمان خود بردبار است، آن که اوست بدان که نافرمانی کند او را بردبار؛		
۹۵۸- من هو فی عظمتّه رحیم (۱۸۶۴)	آن که در عین عظمتش مهربان است (در بزرگواری خود) آن که اوست در بزرگی اش مهربان؛		
۹۵۹- من هو فی حکمتّه عظیم (۱۶۸۴)	آن که در حکمت خود بزرگ است ؛ تنظیم و ترتیب کارهای بزرگ بر وفق مراد		
۹۶۰- من هو فی احسانه قدیم (۴۷۰)	آن که در احسان خود دیرین است، آن که اوست در نیکویی کردنش دیرینه؛		
نیکی دائمی			
۹۶۱- من هو بمن اراده علیم (۵۵۴)	آن که به خواستار (هر که او را خواهد) خویش داناست، آن که اوست بدان که اراده کند او را دانا؛		
دفع چهل مرکّب			
۹۶۲- مسبّب (۱۰۴)	سبب ساز، چاره ساز، فراهم آورنده؛		
آماده شدن اسباب ظاهری			

۹۶۳- مرعّب	(۱۲۴۲)	تشویق کن (شوق آور) راغب کننده، خواهان کننده؛ تمایل به عبادات و طاعات
۹۶۴- مقلّب	(۱۷۲)	زیر و رو کننده (گرداننده)، گردش دهنده دگرگون کننده ؛
۹۶۵- معقّب	(۲۱۲)	پی جو (پیگیر)، تأخیر انداز، پوینده؛ سیر در پایان عسرها
۹۶۶- مرتّب	(۶۴۲)	ترتیب دهنده، درست کننده؛ تنظیم امور
۹۶۷- مخوف	(۷۲۶)	ترساننده، بیم دهنده؛ تعدیل خوف
۹۶۸- محذّر	(۹۴۸)	بیم دهنده (برحذر دار)، آگاه کننده، برحذر کننده؛
۹۶۹- مذکّر	(۹۶۰)	توجّه در دفع منکرات و وسواس نفس، آگاهی نفس
۹۷۰- مسخّر	(۹۰۰)	یاد کننده، یادآوری کننده، به یاد آورنده؛ مراقبه نفس
۹۷۱- مغیّر	(۱۲۵۰)	تسخیر مقاصد، به تسلّط در آوردن قلوب، رسیدن به مقصود
۹۷۲- من علمه سابق	(۳۸۹)	دگرگون ساز، تغییر دهنده؛ تحوّل و تبدیل خانه و ماشین
۹۷۳- من وعده صادق	(۳۷۰)	آن که دانش او پیشین است؛ محفوظات علمی
۹۷۴- من لطفه ظاهر	(۱۳۲۰)	آن که وعده او راست است؛ صداقت در وعده
۹۷۵- من امره غالب	(۱۳۶۹)	آن که لطف او آشکار است؛ مظهریّت لطیف
۹۷۶- من کتابه محکم	(۶۲۶)	آن که دستور او چیره است، آن که فرمائش چیره است؛ دستورات نافذ
۹۷۷- من قضائه کائن	(۱۰۶۹)	آن که قرآنش محکم است، آن که کتابش محکم است؛ قرب به قرآن
۹۷۸- من قرانه مجید	(۵۰۳)	آن که قضای او محقق و حتمی است، آن که داوری اش شدنی است؛
۹۷۹- من ملکه قدیم	(۳۳۹)	تن دادن به قضا و قدر
۹۸۰- من فضله عمیم	(۱۱۶۵)	آن که قرآنش بزرگوار است؛ تفهیم قرآن
۹۸۱- من عرشه عظیم	(۱۶۸۵)	آن که ملک او دیرین است، آن که فرمانروایی اش دیرینه است؛
۹۸۲- من لا یشغله سمع عن سمع	(۱۹۲۶)	بقای ملک و زمین و کارخانه
۹۸۳- من لا یمنعه فعل عن فعل	(۷۷۶)	آن که فضش همگانی است، آن که افزون بخشیش محکم است؛ افزایش تفضّل عامّه
۹۸۴- من لا یلهیه قول عن قول	(۵۷۳)	آن که عرش او بزرگ است، آن که عرشش بسیار بزرگ است؛ بلند شدن مقام معنوی
۹۸۵- من لا یغلّطه سؤال عن سؤال	(۱۴۸۹)	آن که سرگرم نکند او را شنیدنی از شنیدنی (ای که بازش ندارد شنیدنی از شنیدنی)؛ مراقبه گوش
۹۸۶- من لا یحجبه شیء عن شیء	(۸۸۹)	آن که مانع نشود او را کاری از کار دیگر؛ توحید افعالی، مانع نشدن کارها در اعمال
۹۸۷- من لا بیرمه الحاج الملحّین	(۵۹۵)	آن که مشغولش نکند گفتاری از گفتار دیگر، آن که سرگرمش نکند سخنی از سخن دیگر؛ مراقبه ی زبان، فراغت از غیر در مجالس عمومی
۹۸۸- من هو غایة مراد المریدین	(۱۷۰۷)	آن که به اشتباه نیاندازد او را پرسشی از پرسش دیگر، آن که به غلط نکشد او را سؤالی از سؤال دیگر؛ تعلیم و تعلّم
۹۸۹- من هو منتهی همم العارفین	(۱۱۳۳)	آن که حجاب نشود او را چیزی از چیز دیگر، آن که پرده اش نباشد او را چیزی از چیز دیگر؛ دفع حُجُب
۹۹۰- من هو منتهی طلب الطّالبین	(۷۸۰)	آن که به ستوهش نیابد پافشاری و اصرار ورزان، آن که به تنگش نیابد او را اصرار مبرمان (پافشاری کنندگان)؛ تسلّط بر خواهش زن و اولاد زیردست
۹۹۱- من لا یخفی علیه ذرّة فی العالمین	(۲۱۶۳)	آن که او نهایت خواستهی خواستاران است، آن که او آرمان نهایی جویندگان است، آن که اوست هدف نهایی اراده کنندگان؛ یافتن استاد حاذق
۹۹۲- حلیمّاً لا یعجل	(۲۳۳)	آن که او حذّ نهایی همتهای عارفان است، آن که او نهایت همّت عارفان است؛ عرفان و معرفت
۹۹۳- جواداً لا یبخل	(۶۸۸)	آن که او منتهای طلب طالبان است، آن که او نهایت جستجوی حق جویان است، آن که او نهایت خواسته جویندگان است؛ غایت جویندگان
۹۹۴- صادقاً لا یخلف	(۹۴۷)	راستگویی که خلاف وعده نکند، راستگوی بی تخلف، راستگویی که خلاف نکند؛ صدق بدون عوارض
۹۹۵- وهاباً لا یمل	(۱۲۶)	بخشنده ی خستگی ناپذیر، کن یا کننده خستگی ناپذیر، بخشنده ای که ملول نشود؛ بخشش مستمر
۹۹۶- قاهراً لا یغلب	(۱۳۸۰)	چیره ی بدون شکست، فرازانده ی شکست ناپذیر، غلبه کننده ای که مغلوب نگردد؛ شکست دادن دشمن
۹۹۷- عظیماً لا یوصف	(۱۲۳۸)	بزرگی که در وصف نگنجد، بزرگواری که وصف نمیشود؛ توحید صفاتی
۹۹۸- عدلاً لا یحیف	(۲۴۴)	دادگری که ستم نکند، دادگر بی انحراف؛ عدالت بدون غوامض، تعدیل و مساوات
۹۹۹- غنیّاً لا یفتقر	(۱۸۸۲)	بینیازی که تهیدست نگردد؛ ابقا و برکت مال و دفع تنگدستی
۱۰۰۰- کبیراً لا یصغر	(۱۵۶۴)	بزرگی که کوچک نگردد؛ عدم تنزّل در مقام، رفع نزول و رکود
۱۰۰۱- حافظاً لا یغفل	(۲۱۴۱)	نگهداری که غفلت نرزد، نگهبان بی غفلت، نگهدارندهای که غافل نشود؛ مراقبه اعضاء و جوارح

سبحانک یا لا اله الا انت، الغوث الغوث، خلّصنا من النار یا ربّ

پاک و منزهی تو ای که جز تو معبودی نیست، فریادرس فریادرس، رهایی ده ما را از آتش ای پروردگار من